

## شناخت گیهان شناخت

### مقدمه:

گسترش و نفوذ شگفت‌آور زبان و ادب فارسی در سده‌های پنجم، ششم و هفتم قمری در ایران و خارج از ایران - از اقصای فرارود (= ماوراءالنهر) تا کرانه‌های مدیترانه و از کناره‌های دجله تا آن سوی رود سند و ناحیه پنجاب، بلکه تا بخشی از خاک چین - و به کرسی نشستن این زبان کهن به عنوان زبان دوم آیین پاک اسلام و علم و ادب، معلول علل گوناگونی بود که به اختصار به آن‌ها می‌پردازیم:

۱. تولد دوباره آثار فرهنگی مکتوب به زبان فارسی، نتیجه تلاشی بود که در دوران سامانیان صورت گرفت. در این دوره، ادیبان و نویسندگان بزرگ فرارود، خراسان و سیستان، در پرورش نظم و نثر فارسی، از نیمه سده سوم تا میانه سده پنجم هجری<sup>۱</sup>،

---

۱. سهم شاعران و ادیبان خراسان بزرگ در این زمینه از دیگر مناطق، چشمگیرتر است، از جمله می‌توان از شاعران برجسته زیر نام برد که از اواخر سده دوم تا پایان سده پنجم ق نسبت به دیگر شاعران، از شهرت و اعتبار خاصی برخوردار بودند:

- ۱- ابوالعباس مروزی (اواخر سده دوم ق) که قصیده‌ای به فارسی در مدح عبدالله بن مأمون عباسی به هنگام ورود به خراسان سروده است؛ ۲- محمود و زاق (م ۲۲۱ ق)؛ ۳- فیروز مشرقی (م ۲۳۸ ق)؛
- ۴- ابوشکور بلخی (اوایل سده چهارم ق)؛ ۵- ابوليث طبرستانی جرجانی (سده چهارم ق)؛ ۶- ابواسحاق مجدالدین «کسائی مروزی» (۳۴۱-۳۸۹ ق)؛ ۷- ابوالحسن شهید بلخی، در عصر آل سامان؛ ۸- ابو حنیفه یا ابوالقاسم مروزی غزنوی (متوفی ۳۸۴ ق)؛ ۹- ابواسحاق محمدابراهیم بن محمد بخارایی؛ ۱۰- شیخ ابوالعباس فضل بن عباس مروزی؛ ۱۱- دقیقی مروزی (م ۳۴۱ ق) که به دست غلامان ترک به هلاکت رسید؛
- ۱۲- منصور بن محمد «عمار مروزی» (نیمه دوم سده چهارم ق)؛ ۱۳- ابوالحسن محمد، «رودکی بخارایی»

اساس استواری را پی افکندند که سرآغازی برای شاعران و نویسندگان دوره بعد شد.

۲. فزونی امیران و خاندانهای بزرگ و رجال ثروتمند در این دوره و در این گستره جغرافیایی، عامل بزرگی برای افزایش تعداد شاعران و نثرنویسان گردید؛ زیرا ایشان در گرداگرد خود، گروهی قابل توجه از اهل علم و ادب را فراهم آورده و مردم را به فراگیری علم و ادب تشویق می‌کردند و گاه، خود نیز در جرگه پارسی‌گویان قرار می‌گرفتند که همین روند، به رشد، توسعه و نفوذ زبان فارسی در میان مسلمانان، کمک شایانی نمود.

۳. لشکرکشیهای غزنویان و سلجوقیان و پیروزیهای چشمگیر آنان، موجب شد که زبان و ادب فارسی، از اقصای فرارود تا کرانه‌های مدیترانه و از سواحل دجله تا آن سوی رود سند و ناحیه پنجاب بتدریج، گسترش یافته و در نتیجه، شاعران و نویسندگان در این گستره پهناور، پرورش یابند.

۴. در این روزگار، مراکز ادبی فارسی، از انحصار شرق ایران بیرون آمد و در دیگر نواحی؛ از قبیل عراق و آذربایجان نیز، مراکز مهم ادب فارسی شکل گرفت و در نهایت موجب پیدایی شاعران و نویسندگان بزرگ و جدیدی شد.

۵. جنبشی که از نیمه نخست سده پنجم ق، به وسیله عالمان و متکلمان معتزله و دانشمندان و فلاسفه، در تألیف و تصنیف کتاب‌های علمی، به زبان فارسی، به وجود آمده بود، موجب گردید که نشر فارسی در تاریخ ادبی ایران، بیش از پیش، رو به کمال و ترقی رود؛ تا آنجا که آثار پرباری به زبان صحیح فارسی پدید آمد؛ سرآمد آنان در این سده، حجت‌الاسلام غزالی است که به این مهم دست یازید و آثاری را به وجود آورد که از برترین و صحیح‌ترین نمونه‌های نشر فارسی است. از سوی دیگر، نزدیک

→ (سده پنجم ق)، «رودک» روستایی از بخش نَسَف از توابع شهر بخارا است که در جمهوری ازبکستان قرار دارد؛ ۱۴- کلیم اسدی طوسی، دولت‌شاه سمرقندی وی را استاد فردوسی دانسته است؛ ۱۵- ابوالقاسم منصور بن فخرالدین احمد «فردوسی طوسی»، صاحب شاهنامه؛ ابوالقاسم حسن بن احمد «عنصری»؛ ۱۷- ابوالحسن علی بن قلیو «فرخی سیستانی»، دولت‌شاه سمرقندی، وی را از مردم «ترمذ» دانسته است؛ ۱۸- ابونظر عبدالعزیز بن منصور «عسجدی مروزی»؛ ۱۹- ابویزید محمد عضائری رازی، «عضائری» به معنی کاسه است؛ ۲۰- بندار رازی؛ ۲۱- ابوالنجم احمد «منوچهری دامغانی»؛ ۲۲- ابوالفخر مسعود سعد سلمان (نیمه دوم سده پنجم و اوایل سده ششم ق)؛ ۲۳- حکیم عمر خیام نیشابوری (اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم ق)؛ ۲۴- محمد بن عبدالملک «امیر معزی نیشابوری».

به نیمی از سده پنجم قمری را در ادبیات فارسی، باید عصر تألیف کتاب‌های لغت و فرهنگنامه‌ها دانست؛ کهنترین فرهنگهای تازی به پارسی در این سده، در خراسان آن روز پدید آمد که آن را در ادامه این گزارش خواهیم آورد.

۶. از آغاز این دوره، شعر و نثر فارسی، در بستری مردمی‌تر از پیش، به کار گرفته شد و از اوایل این سده، شعر و ادب و نثر فارسی، برای ارشاد مردم، در خانقاه‌ها و در آثار صوفیان، رسوخ فراوانی یافت و در تمامی مجالس سماع و وعظ و ارشاد، در بیشتر کتاب‌های عرفانی و منظومه‌های صوفیانه که در ایران آن روزگار به وجود آمد، زبان ساده فارسی، به شکلی که مورد فهم همگان باشد، به کار گرفته شد. بدین ترتیب، زبان و ادب فارسی که تا آن زمان، تنها مورد حمایت دستگاه‌های حکومتی بود، در میان مردم گسترش یافت و از آن پس، عالمان، ادیبان و نویسندگان، نگارش کتاب‌ها و آثار خویش را به زبان فارسی آغاز کردند.

در این دوره، زبان و ادب فارسی، در خارج از نواحی ایران نیز، انتشار یافت و این امر، معلول برخی علل و عوامل سیاسی و نظامی بود؛ زیرا دولت نوحاسته غزنوی که توان توسعه کشور را از سوی مغرب نداشت، کوشید تا اراضی وسیع و پر نعمتی را که در مشرق و جنوب شرقی مستملکات آنان قرار داشت، فراچنگ آورد. این سرزمینهای آباد عبارت بودند از: ولایات پیرامون رودخانه سند، که بتدریج زبان و ادب فارسی در آنجا رسوخ یافت و از آنجا به نواحی هندوستان - که بعدها فتح گردید - گسترش یافت و برای دوره متمادی، در هندوستان<sup>۱</sup> ریشه گرفت و ماندگار شد و از آنجا تا درون خاک چین نیز ادامه یافت.

همچنین در زمان سلجوقیان و سلسله‌های تابع آنان؛ یعنی سلسله‌های غلامان و قبایل ترک‌نژاد پیرامون شام و آسیای صغیر، زبان فارسی که زبان رسمی دربار سلجوقیان بود، رشد و گسترش یافت.<sup>۲</sup>

۱. نسخه‌ای از دانشنامه قدرخان، تألیف فاروقی هندی که در سده نهم ق کتابت شده و اکنون در کتابخانه مرکز شرق‌شناسی نسخ خطی فرهنگستان علوم آذربایجان در شهر باکو قرار دارد، دربرگیرنده لغات فارسی به فارسی است که بیشتر به احیای دوباره لغات متروکه فارسی پرداخته و نظیر این آثار در شبه قاره هند طی قرن‌ها به وجود آمد و موجب رشد و شکوفایی بیشتر زبان و ادب فارسی، در آن سرزمینها گردید.

۲. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ۲/۳۲۵-۳۲۶، ۳۳۱.

در سده پنجم و ششم قمری، به همان نسبت که شعر فارسی رونق یافت، نثر فارسی نیز، به اوج کمال خود رسید. پیش از آن، در سده سوم و چهارم، مؤلفان و دانشمندان ایرانی، بیشتر آثار خود را به زبان عربی<sup>۱</sup> می‌نوشتند؛ ولی در سده پنجم قمری به بعد، عالمان ایرانی، هردو زبان را برای تألیف و تصنیف آثارشان به کار گرفتند و به همین دلیل شمار آثاری که در علوم مختلف، در این سده، به زبان فارسی نگارش یافت، نسبت به سده چهارم، نزدیک به چهار برابر فزونی یافت.<sup>۲</sup>

### درنگی در فارسی‌نگاری دانشوران:

گذشته از عارفان نامداری همچون خواجه عبدالله انصاری و عالمان بزرگی چون حکیم عمر خیّام نیشابوری و ناصر خسرو قبادیانی، گروه بسیاری از دانشمندان و ادیبان ایرانی، از قبیل: بلعمی، طبری، بیرونی، اسماعیل مستملی بخارائی، خوارزمی، فرغانی، حکیم ابوالقاسم سمرقندی، ابوحفص سُغدی و ابوالفوارس قناورزی نیز، آثار خویش را به فارسی نگاشته‌اند که اکنون بیشتر آثارشان موجود است و ما در این گزارش، به عنوان نمونه، تعدادی از نثرنویسان و ادیبان سده‌های پنجم، ششم و هفتم قمری را، که در موضوعات گوناگون، آثاری پدید آورده‌اند، به شرح زیر نام می‌بریم:

۱. ابو حکیم ربیع بن احمد اخوینی بخاری، - با یک واسطه - از شاگردان مکتب ابوبکر محمد بن زکریای رازی، مؤلف کتاب هدایة المتعلمین در طب؛ نسخه بسیار کهن و نفیسی از آن در کتابخانه بودلیان، در شهر آکسفورد انگلستان موجود است که تاریخ کتابت آن در ربیع‌الاول سال ۴۷۸ می‌باشد.<sup>۳</sup> این نسخه که به خط معقلی است، یکی از

۱. آثار عربی دانشمندان ایرانی باعث شد که متأسفانه برخی از نویسندگان عرب زبان معاصر، پندارند که این دانشمندان، عرب هستند؛ بویژه در کتاب عروبة العلماء المنسوبون إلى البلدان الا عجمية دانشمندانمانند: ابن سینا، فارابی، بیرونی، غزالی و بسیاری دیگر، یا از روی تعصب یا ناآگاهی، عرب شمرده شده‌اند؛ در حالی که تردیدی در ایرانی بودن آنان وجود ندارد، و بدیهی است که تألیف آثار عربی، موجب عرب بودن آنها نمی‌باشد. در عصر حاضر نیز، برخی از علمای ایرانی، آثار خود را به زبان عربی نگاشته‌اند؛ زیرا مخاطبان زبان عربی، بیش از زبان فارسی است و نمی‌توان ادعا کرد که اینان عرب هستند.

۲. تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان «از ظهور رودکی تا شهادت سهروردی»، ۷۳/۱.

۳. دانشنامه جهان اسلام، ج ۴ (حرف ب)، ذیل «بودلیان»، تهران، ۱۳۷۸ ش.

قدیمترین نثرهای فارسی تاریخ‌دار موجود در جهان است.<sup>۱</sup>

۲. شاهفور عمادالدین ابوالمظفر طاهر بن محمد اسفراینی (م ۴۷۱ ق)، مؤلف تاج التراجم فی تفسیر القرآن بالاعاجم «تفسیر اسفراینی».

۳. شهردان جبلی فرزند ابوالخیر رازی «دبیر مستوفی»، از ستاره‌شناسان و عالمان ایران در نیمه دوم سده پنجم قمری، مؤلف روضة‌المنجمین یا روضة‌المنجم و یا روضة‌النجوم و کتاب ارزنده نزهت‌نامه علائی؛<sup>۲</sup> که آن را در سال ۴۸۸ ق نگاشته است. نسخه بسیار کهن و نفیسی از روضة‌المنجمین که در سده هفتم قمری کتابت شده، در کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، به شماره «۱/۱۹۲۵» موجود است. مؤلف، نگارش این کتاب را در ماه رجب سال ۴۶۶ آغاز نموده است.

نسخه‌های کهن دیگری از روضة‌المنجمین در کتابخانه‌ها موجود است که برخی از آنها بدین قرارند:

۱- نسخه کتابخانه شخصی مرحوم سید جلال‌الدین تهرانی، مورخ پیرامون سال ۵۰۰ ق؛ ولی برحسب نظر کارشناسان، این نسخه آن‌گونه که از خط و کتابت و نوع کاغذ و وضعیت ظاهری آن برمی‌آید، مربوط به سده هفتم ق است و اکنون به شماره «۱۲۰۱۰»، در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است؛ ۲- نسخه کتابخانه شماره یک مجلس شورای اسلامی، به شماره «۶۳۹۰»، کتابت در سده ششم ق؛ ۳- نسخه کتابخانه ملی ملک در تهران، به شماره «۳۶۰۵»، کتابت در سال ۶۱۰ ق، در روستای «کهرام»؛ ۴- نسخه کتابخانه توبینگن در آلمان، به شماره «O.gu۸۴۸»، مورخ دوشنبه ربیع‌الاول سال ۶۵۳؛ ۵- نسخه کتابخانه دارالکتب المصریة در قاهره، به شماره «۲۸۳/۱»، مورخ سده هشتم ق؛ ۶- نسخه کتابخانه موزه بریتانیا در لندن، به شماره «Add۰۲۷-۲۶۱»، مورخ سالهای ۸۱۳ و ۸۱۴ ق،

۱. نسخه کهن دیگری که در سال ۵۱۰ ق کتابت شده، در کتابخانه فاتح، در استانبول ترکیه نگهداری می‌شود.

۲. این کتاب نیز از کتاب‌های فارسی نفیس سده پنجم قمری است. نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد. همچنین در سال ۱۳۶۲ ش، به تصحیح دکتر فرهنگ جهانپور، از سوی مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، در تهران، به چاپ رسیده است.

به خط ناصرالکاتب که آن را برای جلال‌الدین اسکندربن عمر شیخ‌بن تیمور (م ۸۱۷ق)، کتابت نموده است؛ ۷- نسخه کتابخانه ملی پاریس، به شماره «۲۰۵۳»، مورخ سال ۹۵۸ق؛ ۸- نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول در ترکیه، به شماره «۱۴۱۸/۱»، مورخ ۲۷ ذیحجه سال ۸۱۳؛ ۹- نسخه کتابخانه مآل‌فیروز در بمبئی هند، به شماره «۱۰۳۹»، مورخ سال ۸۱۲ق؛ ۱۰- نسخه کتابخانه آکادمی لیون، در هلند، به شماره «۱۳۶- ۱۲۷۷.F»، بی‌تاریخ؛ ۱۱- نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول، به شماره «۱۴۱۸»، مورخ سال ۸۱۳ق؛ ۱۲- نسخه کتابخانه دولتی برلین در آلمان، به شماره «MS.ORINT.QUART ۸۴۸». در فهرست آن کتابخانه، نامی از روضة‌المنجمین نیامده و فقط به نام «کتاب فارسی در نجوم» آمده است. سید حسن تقی‌زاده در کتاب گاهشماری در ایران، از این نسخه نام برده و در بررسی خود، مشخص کرده است که این نسخه، همان روضة‌المنجمین است، کتابت آن مشخص نیست و برگ‌های آن پراکندگی دارد. منتخبی از این کتاب نیز، در کتابخانه موزه بریتانیا، به شماره «۵۶۸- ۲۳ Add» نگهداری می‌شود که طی سالهای ۸۸۹- ۸۹۴ق کتابت شده است.

کتاب روضة‌المنجمین، برای نخستین بار از روی نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، به صورت تصویری و با مقدمه جلیل اخوان زنجانی، در سال ۱۳۶۸ ش / ۱۴۰۹ق، از سوی مرکز انتشار نسخ خطی، در تهران چاپ و منتشر شده است.

۴. ابوالمعالی محمدبن عبیدالله علوی غزنوی، از سادات علوی و معاصر ناصر خسرو و نویسنده کتاب معروف و مهم بیان‌الادیان، که در تاریخ ۴۸۹ق نگاشته شده و کهنترین کتابی است که درباره مذاهب و ادیان، به زبان فارسی نگارش یافته و به دست ما رسیده است.

۵. ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی (۳۸۵- ۴۷۰ق)، دبیر فاضل و تاریخ‌نگار دربار غزنویان و از معروف‌ترین نویسندگان این عصر و مؤلف کتاب بسیار مهم و بزرگی شامل بیست یا سی جلد، از آغاز سلطنت سبکتکین تا زمان سلطان ابراهیم (۳۶۶- ۴۷۰ق)، به نام: جامع‌التواریخ یا جامع‌فی‌تاریخ آل سبکتکین یا تاریخ مسعودی، معروف به

«تاریخ بیهقی»؛<sup>۱</sup> کتابی که هم‌اکنون در دست است، بخشی از آن می‌باشد.

۱. نسخه‌هایی از تاریخ بیهقی، در کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور موجود می‌باشد؛ یکی از کهنترین نسخه‌ای است که در کتابخانه ملی ملک در تهران، به شماره «۴۷۴»، موجود است که در شوال سال ۶۵۲ کتابت شده است. این کتاب را علی‌اصغر حکمت در مجموعه باری نغز، ص «۳۸۴-۳۹۸»، به سال ۱۳۲۹ ش، در تهران چاپ کرده است؛ نسخه‌ای نیز به شماره «۷۵۶۶»، در این کتابخانه بزرگ موجود است که در چهارشنبه ۴ رمضان سال ۱۲۵۹ کتابت شده است؛ نسخه‌ای دیگر در کتابخانه مدرسه نواب مشهد مقدس، از کتب موقوفه فاضل‌خان موجود است که در سده دهم ق کتابت شده است. دیگر نسخه‌های خطی شناخته‌شده چندان کهن نمی‌باشد، نسخه‌ای دیگر را شرق‌شناس مشهور روسی، «بارتولد» - که بیش از همه بر روی تاریخ بیهقی تحقیق نموده - تحقیق و منتشر کرده است و در تألیفات خود نیز، به ویژه در کتاب ترکستان، آورده که این اثر بیهقی، به گونه‌ای بایسته، شناخته نشده است. تاکنون چندین نوبت این اثر مفید، چاپ و منتشر شده که به تعدادی از آن‌ها ذیلاً اشاره می‌کنیم:

۱- نخستین چاپ، در شهر کلکته هند، که آن را شرق‌شناس انگلیسی، «مورلی»، در هند، از روی چند نسخه خطی تصحیح نموده و پس از مرگش، به اهتمام «کاپیتان ولیم ناسولیس»، در سال ۱۸۶۲ میلادی، در همان شهر به چاپ رسیده است.

۲- چاپ دوم سنگی در تهران، به تصحیح و تحشیه مرحوم سید احمد ادیب پیشاوری که در سال ۱۳۰۵ ق چاپ شده است. وی در تصحیح آن از نسخه چاپ کلکته که در بالا اشاره شد و نیز از نسخه‌های خطی کتاب، سود جسته است.

۳- چاپ سنگی تهران، در سال ۱۳۰۷ ق، در دارالطباعة میرزا حبیب‌الله، به تصحیح محمدحسین اصفهانی، متخلص به «ادیب» و ملقب به «فروغی». احتمالاً این چاپ و چاپ فوق یکی باشد؛ لیکن مشخصاتی که در این چاپ آمده، دقیقاً با نسخه موجود چاپ سنگی در این کتابخانه بزرگ برابر است. اینجانب نسخه بالا را ندیده‌ام.

۴- چاپ تهران، سال ۱۳۲۴ ش، به اهتمام دکتر غنی و دکتر فیاض، چاپخانه بانک ملی ایران.

۵- همان چاپ فوق، به صورت افست، از انتشارات گام و امین، تهران، ۱۳۳۶ ش.

۶- چاپ تهران، سال ۱۳۵۰ ش، به تصحیح دکتر علی‌اکبر فیاض و به کوشش عبدالحسین احسانی، انتشارات ایرانمهر و کتابفروشی منوچهری.

۷- چاپ تهران، سال ۱۳۶۸ ش، در ۳ جلد، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، انتشارات سعدی.

۸- چاپ مجدد ردیف دوم به صورت افست، در تهران، در سال ۱۳۷۰ ش، انتشارات خواجه.

۹- چاپ دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۳۵۰ ش، به تصحیح دکتر علی‌اکبر فیاض.

۱۰- چاپ دوم دانشکده ادبیات مشهد، سال ۱۳۵۶ ش.

۱۱- چاپ انتشارات سنائی، در سه جلد، تهران.

۱۲- چاپ دانشگاه تهران، دو جلد، سال ۱۳۲۶ ش.

این کتاب از سوی دکتر یحیی الخشاب - استاد دانشکده ادبیات قاهره - و دکتر صادق نشأت - استاد دانشکده معقول و منقول سابق دانشگاه تهران و استاد دانشگاه قاهره - به زبان عربی ترجمه شده و در سال ۱۳۷۶ ق / ۱۹۵۶ م، از سوی انتشارات «مکتبه‌الانجلوالمصریه»، در قاهره، به چاپ رسیده است.

۶. شیخ ابوالحسن علی بن ابوعلی عثمان بن علی جلابی هجویری غزنوی لاهوری (م ۴۶۴ و یا به قولی ۴۶۵)، از عارفان نامدار سده پنجم ق و از نزدیکان شیخ ابوسعید و از پیروان حلاج و بایزید بسطامی، مؤلف کتاب عرفانی معروف کشف المحجوب لاریاب القلوب<sup>۱</sup>، نخستین کتاب فارسی در تصوف، با نثر پخته و روان فارسی، و کتاب‌های بیان لاهل العیان یا الایقان؛ فنا و بقاء؛ دیوان اشعار؛ منهاج الدین؛ الرعاية بحقوق الله تعالی؛ نحو القلوب و غیر آنها.

۷. قاضی ابوعبدالله حسین بن احمد بن حسین زوزنی<sup>۲</sup> (م ۴۸۶ق)، از ادیبان

۱. این کتاب را وی، در لاهور، به درخواست شیخ ابوسعید هجویری غزنوی تألیف کرده است و یکی از شاهکارهای نثر فارسی در سده پنجم قمری است که جامع تصوف علمی و عملی است. تمام عقاید متصوفه مشهور سده پنجم و قبل از آن از این کتاب به دست می‌آید. یکی از نفیس‌ترین نسخه‌های خطی آن، در کتابخانه شخصی مهدیقلی هدایت موجود بوده است و اکنون مشخص نیست که کجاست؟ تاکنون چند نوبت این اثر ارزنده چاپ و منتشر شده است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- چاپ لنینگراد سابق، در سال ۱۹۲۶ میلادی، به تصحیح و مقدمه مفصل، به روسی، از «والنتین ژوکوفسکی» که از روی نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های بزرگ اروپا و آسیای میانه، تصحیح شده است.

۲- چاپ لاهور پاکستان، به تصحیح سید احمد علی شاه - استاد مدرسه اسلامی و خطیب مسجد شاهی لاهور در پاکستان - که آن را از روی نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های آن کشور، تصحیح و چاپ کرده است.

۳- چاپ تهران، سال ۱۳۳۶ ش، از انتشارات امیرکبیر، به تصحیح «والنتین ژوکوفسکی»، با ترجمه فارسی مقدمه مفصل روسی وی، به اهتمام محمد عباسی.

۴- چاپ تهران، سال ۱۳۹۹ق / ۱۹۷۹م، انتشارات طهوری، به تصحیح همو و مقدمه قاسم انصاری.

۵- چاپ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، در اسلام‌آباد، به سال ۱۳۹۸ق / ۱۹۷۸م، به تصحیح و تحشیه علی قویم و به کوشش ارشد قریشی.

کشف المحجوب دیگری، به فارسی، تألیف ابو یعقوب سجستانی - از دانشمندان سده چهارم ق - موجود است که در آیین اسماعیلیه نوشته شده و این اثر با مقدمه دکتر «هنری گرن» فرانسوی، به سال ۱۳۶۷ ش / ۱۹۸۸م، از سوی انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران و کتابخانه طهوری چاپ و منتشر شده است. این کتاب هیچ ارتباطی با کتاب کشف المحجوب هجویری ندارد.

۲. زوزن، به فتح هردو زاء، از توابع خواف شهرستان تربت حیدریه است. در زمانهای گذشته از اعمال نیشابور بوده است. این بخش، در گذشته، آباد و پرجمعیت بوده و بر سر راه کویر از جنوب خراسان، به سایر نقاط ایران بوده است. سمعانی (م ۵۶۲ق)، زوزن را شهری بین هرات و نیشابور معرفی نموده و گوید: «برخی آن شهر را از کثرت دانشمندان که بدان منسوبند بصره الصغری خوانده‌اند».



معروف زمان خود و نویسنده فرهنگ ارزشمند دوزبانه المصادر، یکی از قدیمترین کتابهای لغت عربی به فارسی می باشد؛ نسخه بسیار نفیس و کهنی از این کتاب که در سده ششم ق کتابت شده، در این کتابخانه، به شماره «۱۲۲۴۴»، موجود می باشد.

این نسخه نفیس، در گذشته، از اموال کتابخانه شخصی سعید نفیسی، در تهران، بوده که چند سال قبل، اینجانب آن را برای کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته خریداری نمودم. نسخه های کهن دیگری از کتاب المصادر، در کتابخانه های داخل و خارج از کشور موجود می باشد که تعدادی از آنها را ذیلاً بر می شمارم:

- ۱- نسخه دیگر کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته، به شماره «۱۰۷۴۸»، مورخ سال ۷۲۵ق، به خط نسخ عبداللطیف بن محمد بن عبدالباری بن ابراهیم بن ظفر؛ ۲- نسخه کتابخانه لاله اسماعیل، در استانبول ترکیه، مورخ شوال سال ۵۳۶ق. این نسخه، قدیمترین نسخه تاریخ دار این اثر به شمار می آید؛ ۳- نسخه کتابخانه ملامراد، در استانبول ترکیه، به شماره «۱۷۷۰ ج ۲/ ۱۴۴۶»، مورخ سال ۵۵۰ق، به خط نسخ حسن بن عمر الولوجی؛ ۴- نسخه دیگر همانجا، به شماره «۱۲۵۹/۶»، مورخ سال ۵۵۰ق، به خط همو، این دو نسخه، مکمل یکدیگر می باشند؛ ۵- نسخه کتابخانه راشد افندی قیصریه، در استانبول ترکیه، به شماره «۱۱۴۹»، مورخ سال ۵۹۴ق، خط نسخ؛ ۶- نسخه کتابخانه ترخان والده، در کتابخانه سلیمانیه، در استانبول، به شماره «۳۱۳»، مورخ سال ۶۲۵ق، به خط نسخ خوش احمد بن محمد بکتاش همدانی، این نسخه، به ضمیمه کتاب السامی فی الاسامی، از ابوالفضل میدانی، که در یک جلد قرار دارند و به خط یک کاتب می باشد؛ ۷- نسخه کتابخانه قسطنطنیه، در ترکیه، به شماره «۱۱۶۹»، مورخ سال ۶۲۷ق، به خط نسخ خوش محمود بن عمر بن یوسف «قیچ»؛ ۸- نسخه دیگر همانجا، به شماره «۲۴۹۲»، نسخه کهن و بی تاریخ؛ ۹- نسخه کتابخانه حسین چلبی در شهر بورسای ترکیه، به شماره «۱۱۵۱»، مورخ ۱۲ صفر سال ۶۳۲، به خط نسخ محمد بن عمر کاتب ارزنجانی

۱۰- نسخه کتابخانه ملی ملک، در تهران، به شماره «۳۱۲/۱»، مورخ سال ۶۴۹ق، به خط نسخ علی بن حسن بن محمد حافظ؛ ۱۱- نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی، در مشهد مقدس، به شماره «۳۷۶۵»، مورخ ۱۷ ربیع‌الاول یا شوال سال ۶۷۰، به خط نسخ احمد بن محمد بن مزید بن حاج محمد صوفی اردبیلی، پیشتر این نسخه، در کتابخانه مدرسه فاضل خان، در مشهد مقدس قرار داشته و به‌هنگام تخریب ساختمانهای پیرامون حرم مطهر جهت توسعه، در سال ۱۳۰۷ش، به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی انتقال یافته است؛ ۱۲- نسخه کتابخانه چستر بیٹی، در شهر دوبلین، پایتخت ایرلند جنوبی، به شماره «۴۲۷۸»، مورخ سال ۶۷۴ق؛ ۱۳- نسخه کتابخانه چلبی عبدالله افندی، در استانبول، به شماره «۳۸۰»، مورخ سال ۷۰۷ق، به خط نسخ موسی بن خلیل؛ ۱۴- نسخه دیگر کتابخانه چستر بیٹی، به شماره «۴۱۰۶»، مورخ سال ۷۱۷ق، به خط نسخ زیبای ابوالمحاسن محمد بن سعید بن محمد «ابن ساوجی»؛ ۱۵- نسخه کتابخانه دارالکتب المصریة، در قاهره، به شماره «۲۷»، مورخ سال ۷۳۲ق، به خط ناصر بن احمد آملی؛ ۱۶- نسخه کتابخانه مجلس سنای سابق، در تهران، به شماره «۱۲۱۱/۱»، مورخ سال ۷۳۵ق، خط نسخ مُعرب؛ ۱۶- نسخه دیگر همانجا، به شماره «۱۴۱۶»، مورخ سال ۷۴۹ق، خط نسخ مُعرب؛ ۱۷- نسخه دیگر کتابخانه آستان قدس رضوی، در مشهد مقدس، به شماره «۹۰۱۸»، مورخ سال ۷۸۷ق، به خط نسخ محمود بن خواجه اسماعیل آقشهری؛ ۱۸- نسخه کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، به شماره «۲۲»، مورخ سال ۸۰۴ق، خط نسخ؛ ۱۹- نسخه دیگر کتابخانه ملی ملک، در تهران، به شماره «۳۸۶»، مورخ سال ۸۶۸ق، به خط نسخ اسماعیل بن حسن بن سید احمد؛ ۲۰- نسخه کتابخانه عمومی - دولتی سالتیکوف شچدرین، در شهر سن پترزبورگ روسیه، مورخ سال ۹۲۵ق؛ ۲۱- نسخه کتابخانه کوپریلی، به شماره «۶۹۷ مجموعه‌ها»، مورخ غره ذیحجه سال ۸۷۰، به خط عوض بن ابراهیم سینوبی.

کتاب المصادر، چند نوبت به چاپ رسیده است، از جمله: ۱- جلد نخست، چاپ سال ۱۳۴۰ش و جلد دوم، به سال ۱۳۴۵ش، به کوشش تقی بینش، در مشهد مقدس؛

۲- چاپ تهران، با مقدمه دکتر علی اکبر فیاض؛ ۳- چاپ تهران، در سال ۱۳۷۴ش نیز، به اهتمام تقی بینش، از انتشارات البرز، بر اساس پنج نسخه خطی موجود.

۸. البلغة المترجم، در لغت، یکی از کهنترین فرهنگهای تازی به پارسی است که در نیمه نخست سده پنجم قمری نگارش یافته و متأسفانه نگارنده آن مشخص نیست. تألیف آن در سال ۴۳۸ق، به انجام رسیده است. نسخه‌ای از آن ضمن مجموعه‌ای، به شماره «۵۸۳۹»، در کتابخانه ملی ملک، در تهران، موجود می‌باشد که در سال ۷۲۲ق کتابت شده است.

۹. ادیب نطنزی، بدیع الزمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم (م ۴۹۷ق)، مؤلف دستور اللغه<sup>۱</sup>، در لغت تازی و کتاب الخلاص والمرواة. نسخه‌های بسیاری از این کتاب، در کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور، از جمله، این کتابخانه، وجود دارد که قدیمترین آن نسخه کتابخانه شخصی مرحوم فخرالدین نصیری امینی است که احتمالاً به سال ۴۷۵ق، در شهر اردبیل و در عصر مؤلف کتابت شده و به ظاهر از ایران، به خارج رفته است. گرچه احتمال زیاد دارد که در تاریخ کتابت این نسخه، دست‌کاری شده و در واقع، مربوط به سده هفتم ق می‌باشد.

۱۰. امیر عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس (م ۴۷۵ق)، هفتمین پادشاه آل زیار و مؤلف کتاب نصیحت‌نامه که به قابوس‌نامه شهرت دارد. وی این کتاب را برای فرزند خود گیلانشاه - شاهزاده ناحیه گیلان - نوشته است. نسخه‌های بسیاری از این

۱. مرحوم ابن یوسف حدائق شیرازی، در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه سپهسالار سابق، ۱۷۶/۲، حدس زده است که کتاب دستور اللغه برای خواجه نظام‌الملک (م ۴۸۵ق)، نگارش یافته است. ابن یوسف دانشمندی توانا و کتاب‌شناسی فوق‌العاده بود که بدون بررسی دقیق، چنین ادعایی نمی‌کرد. وی کتاب‌های بسیار نفیسی داشت که چندسال قبل، اینجانب موفق شدم از وارثان آن مرحوم، آن‌ها را برای این کتابخانه، خریداری نمایم. از این کتاب، نسخه‌های خطی بسیاری در کتابخانه‌های مختلف موجود است. در این کتابخانه بزرگ نیز، سه نسخه بدین ترتیب وجود دارد: ۱- نسخه شماره «۹۰۰۵»، مورخ سده دوازدهم ق، خط نسخ؛ ۲- نسخه شماره «۹۵۶۰»، به خط نسخ احمد تهرانی ملاباشی، در یک‌شنبه ۲۸ جمادی‌الاول سال ۱۲۸۹، که از روی نسخه مورخ ۸۷۹ق که به خط مراد بن موسی بن یوسف بن حسین نوشته شده، کتابت کرده است؛ ۳- نسخه شماره «۱۰۴۸۴»، مورخ ۱۸ جمادی‌الآخر سال ۱۰۸۸، به خط نسخ محمد تقی.

کتاب، در کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور موجود است.<sup>۱</sup>

۱۱. ابو منصور موفق‌الدین بن علی هروی، از پزشکان سده پنجم ق، مؤلف کتاب *الابنية عن حقائق الادوية*. کهنترین نسخه خطی آن، که در شوال سال ۴۴۷، به خط علی بن احمد اسدی طوسی شاعر کتابت شده، در کتابخانه ملی وین، در کشور اتریش، به شماره «A.F.۳۴۰»، موجود است.<sup>۲</sup>

این نسخه، قدیمترین نثر فارسی تاریخ‌دار در جهان به شمار می‌آید. زلیگمان (Seligmann)، شرق‌شناس اتریشی، این نسخه را در سال ۱۸۵۹ میلادی، در وین چاپ کرده است.

۱۲. ابوعلی حسن بن خواجه ابوالحسن علی بن اسحاق «خواجه نظام الملک طوسی»، مقتول به سال ۴۸۵ق، وزیر معروف الپ ارسلان و ملکشاه سلجوقی

۱. در فرهنگ ایران زمین، تألیف ایرج افشار، نسخه کهنی از این کتاب را معرفی می‌کند که در عصر مؤلف، به سال ۴۳۳ق، به خط شیردادین شیر، ذیل «الاسفهبذی الطبری»، کتابت شده و دارای ۱۰۹ نگاره است و در حال حاضر به دو مؤسسه آمریکایی تعلق دارد؛ اما شخص آقای ایرج افشار طی نامه مورخ خردادماه ۷۹، به اینجانب نوشته‌اند که این نسخه جعلی است و صاحبان آن نیز، پی به جعلی بودن آن برده‌اند و آن را از دید عموم پنهان ساخته‌اند. نسخه کهن دیگری، به شماره «۸۱۹۰» که در سده هشتم ق کتابت شده و نیز نسخه‌ای دیگر مورخ اواخر سده سیزدهم ق، به شماره «۶۳۱۶»، در این کتابخانه بزرگ موجود است. این کتاب، به سال ۱۳۲۵ق/ ۱۹۰۷م، به وسیله سید ابوالقاسم موسوی شیرازی، در شهر بمبئی هند، چاپ و منتشر گردیده است. همچنین در تهران، به سال ۱۳۴۶ش، از سوی انتشارات فراهانی چاپ شده است و نیز چندین چاپ دیگر - که بالغ بر چهارده نوبت است - در ایران، هند و نیز از سوی انتشارات اوقاف گیب (Gibb memorial)، در لندن، چاپ و منتشر گردیده است. همچنین به وسیله پرفسور «برتلس» - شرق‌شناس مشهور روسی - به زبان روسی؛ و به وسیله «احمدبن الیاس»، به فرمان سلطان مراد دوم - پادشاه عثمانی - به ترکی؛ و نیز از سوی «آ. کری» - شرق‌شناس فرانسوی و مترجم کتاب شرایع الاسلام محقق حلّی - در دو جلد به فرانسه، ترجمه شده و به سال ۱۸۸۲م، بدین عنوان چاپ و منتشر شده است:

Le cabous Name Traduit par a Query \_ paris Ernest Lerour Editeur.

این ترجمه، در کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله موجود است.

غیر از ترجمه‌های یادشده، این کتاب به عربی و آلمانی نیز ترجمه شده است.

۲. فهرست فلوگل، ۵۳۴/۲ - ۵۳۶. مؤلف کتاب، در زمان کتابت نسخه (۴۴۷ق)، در قید حیات بوده است؛ زیرا اسدی در حق او، عبارت «حرّسه‌الله» نوشته است.

و مؤلف سیاست‌نامه یا سیر الملوك.<sup>۱</sup>

۱۳. حجت‌الاسلام زین‌الدین ابو حامد محمدبن محمدبن محمدبن احمد غزالی طوسی (م ۵۰۵ق)، از دانشمندان مشهور جهان اسلام که دارای بیش از پانصد اثر<sup>۲</sup> به زبانهای فارسی و عربی بوده و یکی از معروف‌ترین آثار فارسی او کتاب کیمیای سعادت - یکی از آثار نادر در تصوف میان ایرانیان آن روزگار به بعد - است که از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، نسخه بسیار کهنی از کیمیای سعادت که در سده هفتم ق کتابت شده، در این کتابخانه، به شماره «۱۱۰۶۶» موجود است.

چند نسخه کهن نفیس دیگر از کتاب کیمیای سعادت، در این کتابخانه بزرگ وجود دارد که عبارتند از: ۱- نسخه شماره «۷۴۱۱»، مورخ سال ۷۲۹ق، خط نسخ؛ ۲- نسخه شماره «۳۵۸۸»، مورخ سال ۷۵۱ق، به خط نسخ علی بن احمد بن محمد حسن کوهیار؛ ۳- نسخه شماره «۴۳۱۷»، بی تاریخ و قدیمی، خط نسخ؛ ۴- نسخه شماره «۹۳۳۳»، مورخ سال ۹۰۲ق، به خط نسخ مرتضی بن محمد بن حسین حسینی.

اما دیگر نسخه‌های این کتاب در جهان:

۱- کهنترین نسخه موجود آن در جهان، نسخه خطی کتابخانه بنکی پور، در هند

۱. این کتاب، به سال ۱۳۱۰ش، به اهتمام سید عبدالرحیم خلخالی، از سوی کتابخانه کاوه و کتابخانه معرفت، در چاپخانه خورشید، در تهران، به چاپ رسیده است؛ همچنین در سال ۱۳۲۰ش، با مقدمه مرحوم عباس اقبال، در تهران؛ در سال ۱۳۶۴ش، به کوشش دکتر جعفر شعار، در چاپخانه سپهر در تهران؛ به سال ۱۳۷۳ش، با مقدمه و تعلیقات عطاءالله تدین، از سوی انتشارات تهران، چاپ و منتشر گردیده است؛ و نیز، نخستین چاپ آن، به سال ۱۸۹۱ م / ۱۳۱۰ق، به وسیله شرق‌شناس مشهور فرانسوی «شفر» به چاپ رسیده است. چاپ انتقادی دیگری نیز، به کوشش شرق‌شناس انگلیسی هیوبرت دارک (Hubert Darke)، از سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب، دو نوبت به چاپ رسیده است. این چاپ بر چاپ «شفر» رجحان دارد و مصحح آن ضمن دقت بیشتر، به نسخه صحیح‌تری دست یازیده است.

نسخه‌های خطی چندی از کتاب سیاست‌نامه، در کتابخانه‌های مختلف موجود می‌باشد، از جمله یکی از کهنترین نسخه‌ها، در کتابخانه مرحوم حاج محمد نخجوانی، در تبریز قرار داشته که اکنون در کتابخانه ملی تبریز موجود است.

۲. برخی از مورخان، تألیفات غزالی را «دویست» و عده‌ای دیگر «چهارصد» و تعدادی «هفتصد» و تنی چند «نهمصد» عنوان آورده‌اند. جهت اطلاع بیشتر در مورد آثار علمی غزالی، می‌توان از کتاب مؤلفات الغزالی، از دکتر عبدالرحمان بدوی، چاپ دوم، کویت، سال ۱۹۷۷م، بهره جست.

است که به شماره «۱۳۴۶»، در جلد شانزدهم فهرست آن کتابخانه، معرفی شده است. به گفته فهرست‌نگار، برگ‌هایی از نسخه، به خط غزالی است؛ ۲- نسخه کهن و بسیار نفیس کتابخانه مؤسسه مطالعات شرقی روسیه، شعبه سن پترزبورگ که دقیقاً در نیمه نخست سده ششم ق، به خط نسخ نزدیک به کوفی ایرانی کتابت شده و به شماره «B۴۶۱۲»، در آن کتابخانه موجود می‌باشد. اینجانب شخصاً در سفری که در زمستان سال ۱۳۷۸ ش، به دعوت دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه دولتی سن پترزبورگ داشتم - نسخه را که بسیار اصیل است - از نزدیک رؤیت نمودم. سعید نفیسی در فرهنگ ایران‌زمین، در مورد این نسخه نوشته است: «زمانی که این نسخه را در آن کتابخانه دیدم، تا آن روز کسی آن را نشناخته بود و من پس از بررسی آن را شناسایی نموده و به مسئولان آن کتابخانه تذکر دادم»؛ ۳- نسخه کهن کتابخانه دارالکتب المصریه، در قاهره، به شماره «۴۶ تصوف»، به خط عبدالله بن ابوالقاسم، مورخ روز یکشنبه ۵ محرم سال ۵۷۶؛ ۴- نسخه کهن کتابخانه سلطنتی، در کابل افغانستان، به شماره «۱۰۲ سلطنتی»، به خط نسخ خوش عبدالرحمان بن محمد کاتب، در رمضان سال ۵۹۵. متأسفانه نسخه‌های این کتابخانه، به علت جنگ چندین ساله در افغانستان، سرقت شده و مشخص نیست، بر سر آن‌ها چه آمده است. در کتابخانه‌های افغانستان بیشترین نسخه‌های خطی فارسی کهن قرار داشته است؛ ۵- نسخه کتابخانه ملی ملک، در تهران، به شماره «۴۲۷۳»، مورخ سال ۶۰۵ ق، در خوارزم، نسخه مقابله شده است؛ ۶- نسخه کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، به شماره «۲۴ حکمت»، مورخ سده هفتم یا هشتم ق، به خط نسخ مظفرین اسعدبن طاهر، در دوشنبه ۱۸ جمادی‌الآخر سالهای ۷۲۱ و ۷۸۵، در موصل؛ ۷- نسخه کتابخانه چلبی عبدالله، در استانبول، به شماره «۱۸۵»، به خط نسخ، مورخ سده هفتم ق، به خط سید نسیب؛ ۸- نسخه دیگر در کتابخانه دارالکتب المصریه، در قاهره، به شماره «۷۲ تصوف فارسی طلعت»، خط نسخ، مورخ ۱۵ رجب سال ۶۰۰؛ ۹- نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره «OR ۱۱۹۲۳»، به خط نسخ عبدالله بن محمد بن محمود بن ابوبکر «داور»، مورخ اواخر ذیحجه سال ۶۴۴؛ ۱۰- نسخه دیگر در کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره «Add ۲۵۰۲۶»، به خط علی بن محمد بن عبدالله نسّاخ شبابی فارسی،

مورخ شنبه ۱۰ ذیحجه سال ۶۷۲؛ ۱۱- نسخه کتابخانه شخصی دکتر اصغر مهدوی، در تهران، به شماره «۳۹۵»، به خط نسخ ابن الجری، مورخ سال ۶۸۴ق؛ ۱۲- نسخه کتابخانه مجلس، به شماره «۵۸۲»، به خط حسین بن حسین راوی، در سال ۶۸۴ق؛ ۱۳- نسخه دیگر کتابخانه دارالکتب المصریه، در قاهره، به شماره «۲۷۸» تصوف فارسی طلعت»، به خط علی بن محمد، غره جمادی الآخر سال ۶۸۹؛ ۱۴- نسخه کتابخانه خلیل احمد پاشا سپارته، در ترکیه، به شماره «۱۶۴۱»، مورخ سده هفتم ق؛ ۱۵- نسخه دیگر کتابخانه دانشگاه تهران، به شماره «۱۳۳۴»، به خط نسخ، در سده هفتم یا هشتم ق؛ ۱۶- نسخه کتابخانه ملی کپنهاک، در دانمارک، مورخ سال ۷۰۰ق؛ ۱۷- نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی، در مشهد مقدس، به شماره «۴۰۴۲»، مورخ سال ۷۰۳ق، به خط شیخ عبدالله بن احمد بن عبدالله؛ ۱۸- نسخه کتابخانه خراجچی، در شهر بوسای ترکیه - که اکنون این نسخه، در کتابخانه سلیمانیه استانبول قرار دارد - به شماره «۸۲۲»، مورخ ۲۰ صفر سال ۷۲۴ یا ۷۴۰؛ ۱۹- نسخه کتابخانه رضا رامپور، در هندوستان، به شماره «۳۴۳»، مورخ سال ۷۰۷ق، به خط محمد بن محمد بن احمد الخیرانصاری؛ ۲۰- نسخه کتابخانه مغنيسا، در ترکیه، به شماره «۱۰۶۱»، مورخ سال ۷۳۱ق، به خط نسخ محمود بن احمد بن محمد التستری؛ ۲۱- نسخه کتابخانه ملی تبریز، به شماره «۳۴۹۷»، به خط چریک بن طرمتای صاحبی، مورخ سال ۷۳۵ق؛ ۲۲- نسخه کتابخانه عمومی بایزید، در استانبول ترکیه، به شماره «۳۴۶۶»، مورخ سال ۷۳۵ق، به خط نسخ؛ ۲۳- نسخه دیگر در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره «۲۷۴۷»، به خط نسخ، مورخ سال ۷۴۰ق؛ ۲۴- نسخه کتابخانه سلطنتی کپنهاگ، در دانمارک، به خط نسخ، مورخ سال ۷۵۰ق؛ ۲۵- نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی سابق، به شماره «۲۱۴»، مورخ سال ۷۶۳ق، به خط نسخ محمد بن امیر علی حسینی؛ ۲۶- نسخه دیگر در کتابخانه عمومی بایزید، در استانبول ترکیه، به شماره «۳۴۶۵»، مورخ سال ۷۹۲ق، به خط نسخ محمد بن مستعصم بن محمد قزوینی؛ ۲۷- نسخه دیگر کتابخانه دانشگاه استانبول، در ترکیه، به شماره «۴۷۶»، مورخ سال ۸۳۷ق، به خط خوش قوام بن محمد بن خضر مازندرانی؛ ۲۸- نسخه کتابخانه نور عثمانیه، در استانبول، به شماره «۳۵۳۸»، به خط نسخ زین العابدین بن احمد بن منصور مرشدی،

در اواخر سال ۸۷۵ق؛ ۲۹- نسخه دیگر در کتابخانه دارالکتب قاهره، به شماره «۱۲» تصوف فارسی طلعت»، به خط ابوالمعالی اسحاق بن مسلم بن محمود الفضیلی الداعوتنی، مورخ سال ۸۹۳ق؛ ۳۰- نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول، به شماره «۱۲۷۹»، مورخ سال ۸۴۶ق، به خط نستعلیق خوش بایزید بن ابراهیم تبریزی؛ ۳۱- نسخه دیگر همانجا، به شماره «۶۷۱»، مورخ سال ۸۸۷ق، به خط نسخ محمود حسینی؛ ۳۲- نسخه دیگر کتابخانه ملی ملک، در تهران، به شماره «۴۲۷۲»، مورخ سال ۸۳۴ق، به خط نستعلیق محمد بن ابوسعید؛ ۳۳- نسخه کتابخانه سلطنتی سابق ایران، در تهران، به شماره «۱۶۷۷»، مورخ ۱۲ ذیحجه سال ۸۳۵، به خط نسخ جمال بن محمد بن حسین شریف ابدال؛ ۳۴- نسخه دیگر کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران، به شماره «۱۶۷ج»، به خط نستعلیق، در سده نهم یا دهم ق؛ ۳۵- نسخه کتابخانه مؤسسه شرق شناسی فرهنگستان علوم روسیه، شعبه سن پترزبورگ، به شماره «۹۲۸-B»، مورخ سال ۹۰۰ق؛ ۳۶- نسخه کتابخانه کوپریلی، در استانبول ترکیه، به شماره «۷۶۹»، مورخ ۱۰ شوال سال ۹۰۱؛ ۳۷- نسخه دیگر کتابخانه مغنيسا، در ترکیه، به شماره «۱۰۶۰»، مورخ سال ۹۰۲ق، به خط نستعلیق خوش محمد بن ابراهیم بن محمود مرشدی؛ ۳۸- نسخه کتابخانه عمومی اوقاف موصل، در عراق، به شماره «۲۳/۶»، مورخ سال ۹۰۴ق، به خط معین المسکین؛ ۳۹- نسخه کتابخانه عمومی- دولتی سالتیکوف شچدرین، در سن پترزبورگ روسیه، مورخ سده دهم ق، این نسخه جزو کتاب‌های موقوفه مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی بوده که با صدها نسخه نفیس دیگر، از اردبیل، توسط مأموران دولت تزار روس سرقت شده و اکنون در کتابخانه فوق‌الذکر قرار دارد؛ ۴۰- نسخه کتابخانه رضا رامپور، در هندوستان، به شماره «۷۳۰م»، مورخ سال ۹۷۳ق، به خط یوسف بن میرعلی بن عثمان کشمیری؛ ۴۱- نسخه کتابخانه گنج بخش، در اسلام‌آباد پاکستان، به شماره «۸۳۹»، مورخ سال ۹۷۳ق، به خط نسخ خوش؛ ۴۲- نسخه دیگر همانجا، به شماره «۸۱۸»، مورخ سال ۹۷۵ق، به خط ثلث؛ ۴۳- نسخه دیگر در همانجا، به شماره «۸۱۹»، مورخ سال ۹۷۵ق، به خط ثلث، این نسخه، نیمه دیگر نسخه قبلی است؛ ۴۴- نسخه دیگر کتابخانه مغنيسا، در ترکیه، به شماره «۱۶۶۳/۶»، مورخ سال ۹۵۸ق، به خط نستعلیق خوش؛ ۴۵- نسخه کتابخانه دانشکده



الهیات دانشگاه تهران، به شماره «۶۵ج»، به خط نستعلیق در سده دهم ق؛ ۴۶-نسخه دیگر کتابخانه ملی تبریز، به شماره «۳۵۳۵»، مورخ سال ۹۷۰ق، به خط نسخ سید حسین بن سید نعمت فرکتی؛ ۴۷-نسخه کتابخانه ملی ایران، در تهران، به شماره «۱۸۸۹»، مورخ سال ۹۷۰ق، به خط نستعلیق.

به غیر از آنچه نام بردیم، نسخه‌های دیگری در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد که تاریخ کتابت آن‌ها مشخص نیست؛ در ادامه، به نام تعدادی از آن‌ها بدین ترتیب اشاره می‌شود:

۴۸- نسخه کتابخانه برلین، به شماره «۲۸۸-۲۹۰»؛ ۴۹- نسخه کتابخانه ملی پاریس، به شماره «۶:۱۳»؛ ۵۰- نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره «۱-۳۷»؛ ۵۱- نسخه کتابخانه ریاست مطبوعات کابل، در افغانستان، به شماره «۱۳»؛ ۵۲- نسخه کتابخانه موزه هرات، در افغانستان؛ ۵۳- نسخه کتابخانه مونیخ، در آلمان؛ ۵۴- نسخه معرفی شده در فهرست بلوشیه، در مجموعه شیفر، مخطوطات فارسی به شماره «۱۳۹۲»، کتابت در سده هشتم ق؛ ۵۵- نسخه کتابخانه بولونیا، در ایتالیا، «مجموعه مارسیلی» معرفی شده در فهرست ویکتور روزن (Rosen)، چاپ رم، سال ۱۸۸۵م، به شماره «۳۳۱۷»؛ ۵۶- نسخه کتابخانه لیدسیانا (Bibliotheca lidesiana)، در شهر ادینبرو، در انگلستان، به شماره «۲۳۱»؛ ۵۷- نسخه کتابخانه آبسالا، در سوئد، که در فهرست دوجلدی آن، در ص ۲۲۱، به شماره «۳۷۹» آمده است؛ ۵۸- نسخه کتابخانه آصفیه، در حیدرآباد هند، به شماره «۹۴۱ تصوف فارسی»؛ ۵۹ تا ۶۱- نسخه‌های کتابخانه ایاصوفیه، در استانبول، به شماره‌های «۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵»؛ ۶۲ و ۶۳- نسخه‌های کتابخانه فاتح، در استانبول، به شماره‌های «۲۷۹۱ و ۲۷۹۸»؛ ۶۴- نسخه کتابخانه اسعدافندی، در استانبول، به شماره «۱۶۵۶»؛ ۶۵- نسخه کتابخانه حمیدیه، در استانبول، به شماره «۶۹۲»؛ ۶۶ تا ۶۹- نسخه‌های کتابخانه حکیم اوغلی علی پاشا، در استانبول ترکیه، به شماره‌های «۵۰۱-۵۰۴»؛ ۷۰ و ۷۱- نسخه‌های کتابخانه اسعد افندی، در استانبول، به شماره‌های «۲۲۴ و ۲۲۵»؛ ۷۲- نسخه کتابخانه عاطف افندی، در استانبول، به شماره «۱۳۹۰»؛ ۷۳ و ۷۴- نسخه‌های کتابخانه سلیمیه، در شهر ادرنه ترکیه، به شماره‌های «۴۴۱۴ و ۱۰۴۱»؛ ۷۵ و ۷۶- نسخه‌های کتابخانه مجلس شورای

اسلامی، به شماره‌های «۵۸۱ و ۳۵۵۳»؛ ۷۷- نسخه دیگر کتابخانه دارالکتب، در قاهره، به شماره «۶۲ فارسی»، نسخه کهن.

از کتاب کیمیای سعادت، چندین ترجمه عربی، در کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور موجود است که معرفی آنها، از حوصله این مقال خارج است. چند ترجمه ترکی نیز از آن، در کتابخانه‌ها یافت می‌شود.

این کتاب، تا کنون چندین نوبت در ایران، هند و جاهای دیگر چاپ شده که نخستین چاپ آن، در کلکته هند، پس از آن در لکهنو دو نوبت به سالهای ۱۲۷۹ و ۱۲۸۲ق، و نیز در بمبئی هند، به سال ۱۸۸۳م و مجدداً در سالهای ۱۲۸۸ و ۱۲۹۱ق، در لکهنو تجدید چاپ شده است. چاپ تحقیقی آن در دو جلد، به تصحیح مرحوم حسین خدیو جم، از سوی مرکز انتشارات علمی - فرهنگی، در تهران، به چاپ رسیده است. همچنین چاپ دوازدهم آن، به سال ۱۳۶۱ش، به تصحیح مرحوم احمد آرام، از سوی انتشارات کتابخانه مرکزی، در تهران، انجام گرفته است.

از دیگر آثار مشهور فارسی غزالی، کتاب نصیحة الملوك است که آن را غزالی برای سلطان محمد بن ملک‌شاه سلجوقی یا سلطان سنجر سلجوقی تألیف نموده است.<sup>۱</sup> اینجانب زندگی‌نامه مختصر این دانشمند ایرانی را در کتابی به نام: شرح احوال و افکار و آثار ابو حامد غزالی، نگاشته‌ام، که در سال ۱۳۴۱ شمسی، در قم، به چاپ رسیده است.

۱۴. امام مجدالدین ابوالفتح احمد بن محمد بن محمد بن احمد غزالی طوسی، برادر کهنتر حجت‌الاسلام غزالی، از اکابر عرفای اواخر سده پنجم و اوایل سده

۱. نسخه‌های نفیس و کهنی از کتاب نصیحة الملوك، در کتابخانه‌های مختلف جهان وجود دارد که از آن جمله است: ۱- نسخه کتابخانه فاتح، در استانبول ترکیه، کتابت اواخر ربیع‌الثانی سال ۷۰۹ که احتمالاً کهن‌ترین نسخه موجود آن به شمار می‌آید؛ ۲- نسخه کتابخانه نور عثمانیه، در استانبول ترکیه، مورخ ربیع‌الاول سال ۸۵۳، به خط بایزید بن صادق صوفی کرمانی؛ ۳- نسخه کتابخانه ایاصوفیه، در استانبول ترکیه، مورخ آخر ماه صفر سال ۸۶۲؛ ۴- نسخه کتابخانه دارالکتب المصریه، در قاهره، مورخ سده هشتم یا نهم ق؛ ۵- نسخه کتابخانه شهر «اسکوپیه»، در کشور یوگسلاوی، مورخ سده دهم ق.

از کتاب نصیحة الملوك، دو ترجمه عربی وجود دارد: ۱- التبر المسبوك في نصیحة الملوك که چاپ شده است؛ ۲- ترجمه عربی ناشناخته که نسخه‌ای از آن مورخ ۹۷۹ق، در کتابخانه ایاصوفیه استانبول، موجود است. کتاب نصیحة الملوك بر اساس نسخه‌های یادشده، به تصحیح و مقدمه عالمانه مرحوم استاد جلال‌الدین همائی، در سال ۱۳۵۱ش، از سوی انتشارات انجمن آثار ملی، در تهران، به چاپ رسیده است.

ششم ق، مؤلف آثاری چون: السوانح في معني العشق که آن را برای عین القضاة همدانی نگاشته است، و آثار فارسی از جمله: بحر الحقیقة، رساله الطیور، رساله العینیه، وصیت و پندنامه، مقاله روح<sup>۱</sup> و غیر آنهاست.

۱۵. ابوبکر عتیق بن محمد هروی سوراآبادی «سوریانی» (م ۴۹۴ق)، معاصرالپ ارسالان و ملکشاه سلجوقی و از مفسران سده پنجم قمری و صاحب تفسیر - معروف فارسی - سوراآبادی که پیرامون سالهای ۴۷۰ تا ۴۸۰ق، نگاشته شده است. نسخه بسیار کهن و نفیسی از آن که در نیمه نخست سده ششم ق کتابت شده، در این کتابخانه بزرگ، به شماره «۱۰۹۸۴»، موجود است.

با توجه به دیگر نسخه‌های کهن موجود که در فهرستهای گوناگون آمده است، این نسخه قدیمترین و یا یکی از کهنترین نسخه‌های موجود آن در جهان است. متأسفانه کمی رطوبت دیده و در واحد مرمت کتابخانه، ترمیم شده است. آیات آن با خطوط کوفی درشت و به خط نسخ است. این نسخه بسیار کهن را، اینجانب دو سال قبل، با تعدادی نسخه کهن دیگر، برای این کتابخانه بزرگ خریداری نموده‌ام. برخی از نسخه‌های آن که در کتابخانه‌های جهان موجود است، از این قرارند: ۱- نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره «OR ۱۱۳۱۱»، مورخ ۱۵ رمضان سال ۵۳۵-۲. نسخه کتابخانه دیوان هند، وابسته به کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، مورخ ربیع الاول سال ۵۲۳، به خط نسخ قدیم گرگین بن کرگسار ترکی. از روی این نسخه، به صورت تصویری، با مقدمه مرحوم استاد مجتبی مینوی، در سال ۱۳۴۵ش، در تهران، چاپ شده است؛ ۳- نسخه کتابخانه بورس چلبی، در ترکیه، به شماره «۳۶»، مورخ ۲۲ شعبان سال ۵۷۴ یا ۵۷۷، به خط ابی جعفر محمد بن مودود بن محمد کاتب؛ ۴- نسخه کتابخانه عمومی مغنيسا، در ترکیه، به شماره «۱۶۸»، مورخ ۳۰ ذیقعده ۶۱۲، به خط احمد بن عثمان بن علی بن عثمان بن محمد بلخی عقیلی حاجی عمادی خوئی؛ ۵- نسخه کتابخانه بودلیان، در شهر آکسفورد انگلستان، به شماره «۳۴ فارسی»، مورخ ماه صفر سال ۶۸۴، به گفته دکتر مهدی بیانی، این همان نسخه‌ای است که در کتابخانه مرحوم

۱. مجموعه آثار فارسی امام احمد غزالی، در یک مجلد، شامل شش رساله، با نثر شیوای فارسی، به اهتمام احمد مجاهد، در سال ۱۳۵۸ش، از سوی انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده است.

تربیت، در تبریز بوده و سپس توسط سوداگران، به خارج از کشور رفته و اکنون در کتابخانه بودلیان قرار دارد؛ ۶- نسخه کتابخانه شخصی مرحوم دکتر صادق کیا، مورخ سال ۷۰۱ق؛ ۷- نسخه کتابخانه خالد ابو ایوب، در ترکیه، به شماره «۱۴»، مورخ رمضان سال ۷۰۴؛ ۸ تا ۱۳ - نسخه‌های کتابخانه موزه مولانا، در شهر قونیه ترکیه، به شماره‌های «۱۰۰-۱۰۵»، در ۶ مجلد، نخستین جلد مورخ ۲۲ صفر سال ۷۲۳ و آخرین جلد مورخ ۲۱ صفر سال ۷۲۵؛ ۱۴- نسخه دیگر کتابخانه دیوان هند، وابسته به کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره «الف ۳۸۳۸»، مورخ ۸ ذی‌قعدة سال ۷۳۰؛ ۱۵- جلد دیگر این نسخه، مورخ سده هشتم ق؛ ۱۶- نسخه کتابخانه لیدن، در هلند، به شماره «۱۶۵۸»، مورخ سال ۷۶۹ق؛ ۱۷- نسخه کتابخانه ملی پاریس، به شماره «بلوشه ۳۰»، مورخ ۱۰ ربیع‌الاول سال ۷۸۰؛ ۱۸- نسخه دیگر کتابخانه لیدن، در هلند، به شماره «۱۶۵۷»، کتابت احتمالاً در سده ششم ق؛ ۱۹- نسخه کتابخانه پیر هداوسی، در استانبول ترکیه، به شماره «۶۴»، احتمالاً مورخ سده هفتم ق؛ ۲۰- نسخه کتابخانه برلین، در آلمان، به شماره «۹۳۸»، کتابت احتمالاً در اوایل سده هشتم ق؛ ۲۱- نسخه کتابخانه سالتیکوف شچدرین، در شهر سن پترزبورگ روسیه، به شماره «۲۰۵»، مورخ سده هفتم یا هشتم ق. این نسخه، همچون صدها نسخه خطی دیگر، در کتابخانه موقوفه مقبره شیخ صفی‌الدین، در اردبیل بوده، که در زمان جنگ ایران و روس، غارت شده و سرانجام به این کتابخانه انتقال یافته است؛ ۲۲- نسخه کتابخانه فردوسی، در شهر دوشنبه، در تاجیکستان، به شماره «۲۳۹»، کتابت سال ۸۳۶ق؛ ۲۳- نسخه کتابخانه حسین چلبی، در شهر بوسای ترکیه، به شماره «۳۵»، مورخ سده نهم ق؛ ۲۴- نسخه کتابخانه دارالکتب مصر، در قاهره، به شماره «۱۰»، مورخ سال ۸۶۶ق، به خط احمد بن محمد بن علی حافظ، در قزوین؛ ۲۵- نسخه موزه ایران باستان، در تهران، به شماره «۳۵۰۰»، بی تاریخ؛ ۲۶- نسخه کتابخانه ملی تبریز، به شماره «۳۵۸۹»، بی تاریخ؛ ۲۷- نسخه دیگر همانجا، به شماره «۳۵۹۲»، بی تاریخ؛ ۲۸- نسخه دیگر کتابخانه عمومی - دولتی سالتیکوف شچدرین، در شهر سن پترزبورگ روسیه، مورخ سده نهم ق. این نسخه نیز، از جمله نسخه‌های موقوفه مقبره شیخ صفی‌الدین، در اردبیل بوده است.

یادآور می‌شود، بیشتر این نسخه‌ها را از فهرست «استوری» و فهرست میکروفیلم‌های موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، انتخاب نموده‌ام.

یک نسخه بسیار نفیس دیگر که گویا گزیده‌ای یا اقتباسی از تفسیر سوراآبادی است، در ۴ مجلد، در مزار تربت جام قرار داشته، در سال ۱۳۱۶ش، به دستور وزیر فرهنگ وقت - علی اصغر حکمت - به تهران منتقل شده و اکنون در موزه ایران باستان قرار دارد. مرحوم دکتر مهدی بیانی، در مجله پیام نو، سال اول، شماره ۷، سال ۱۳۳۴ش، صفحه ۴۴، چنین آورده است: «این نسخه مشتمل است بر یک دوره کامل متن عربی قرآن و ترجمه و تفسیر فارسی آن که در ۴ مجلد بزرگ، به قطع  $۳۸\frac{۱}{۲} \times ۲۹\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر تجلید شده است. مجموع اوراق آن در حدود هزار برگ، جلد آن‌ها چرمی قهوه‌ای رنگ لولادار مستعمل، کاغذ بخارایی ضخیم، خط متن ثلث و ترجمه و تفسیر به خط نسخ قدیم، هر صفحه در بعضی مجلدات دارای شش و در بعضی دیگر هفت سطر درشت در متن است و ترجمه فارسی آن، در زیر سطور درشت، به خط ریز و در آخر هر سوره، به همان خط ترجمه، تفسیر شده است و این صفحه‌ها هر یک ۲۵ سطر دارد...». تألیف این کتاب، در روز دوشنبه ۸ ربیع‌الآخر سال ۵۸۴، به انجام رسیده است و آن را به سلطان ابوالفتح محمدبن سام «سلطان غور» اهدا نموده است. کتابت نسخه، در سده ششم ق، به خط محمدبن علی بن محمدبن علی نیشابوری لثی است.

همچنین گزیده دیگری از تفسیر سوراآبادی، با عنوان، اشارات التفسیر فی بشارات التذکیر المستخرج من تفسیر العتیق، به فارسی، از مؤلفی ناشناخته، مورخ سالهای ۶۶۴ تا ۶۹۴ق، در کتابخانه دارالکتب موجود می‌باشد که شامل تفسیر سوره مریم تا پایان قرآن کریم است. بخشی از تفسیر سوراآبادی، در سال ۱۳۴۷ش، با عنوان قصص قرآن مجید، برگرفته از تفسیر سوراآبادی، از روی نسخه کهن مورخ ۵۲۳ق، موجود در کتابخانه دیوان هند، در لندن، به صورت تصویری و به کوشش مرحوم استاد مجتبی مینوی، به سال ۱۳۴۵ش، در قطع رحلی چاپ و منتشر شده است. همچنین از روی نسخه کامل کهن دیگری، به صورت تصویری، در سال ۱۳۵۳ش، از سوی انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، با مقدمه دکتر پرویز ناتل خانلری، در تهران، به چاپ رسیده است. این نسخه، نسبتاً کامل می‌باشد؛ و نیز کتابی با عنوان بررسی املائی دستنویسی از تفسیر سوراآبادی که خانم کبری

شیروانی آن را تنظیم نموده است، از سوی فرهنگستان زبان ایران، قبل از پیروزی انقلاب، در تهران، چاپ و منتشر شده است.

۱۶. ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی (م بین ۵۵۹ تا ۵۸۳ق)، ادیب و دبیر نامور عصر غزنویان و صاحب کتاب معروف فارسی ترجمه و تهذیب کلیل و دمنه. این اثر را وی در سال ۵۴۵ق ترجمه نموده است، نسخه نفیس و کهنی که در محرم سال ۷۲۲ق کتابت شده، به شماره «۱۱۸۸۸»، در این کتابخانه بزرگ موجود است.<sup>۱</sup>

۱۷. حجّت‌الحق، فرید خراسان، ظهیرالدین ابوالحسن علی بن شمس‌الدین ابوالقاسم زید بن شیخ‌الاسلام جمال القضاة والخطباء، ابی سلمان امیرک محمد بن حاکم امام مفتی ابی علی حسین بیهقی<sup>۲</sup> «ابن فندق» (۴۹۹-۵۶۵ق)، متولد در بیهق سبزوار و از بزرگان علما و فضلاء ایرانی و صاحب آثار بسیار از جمله:

۱. نسخه‌های کهن و نفیس دیگری در کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور وجود دارد؛ با توجه به اهمیت آنها، به تعدادی از این نسخه‌ها اشاره می‌کنیم: ۱- نسخه کتابخانه جارالله افندی، در استانبول ترکیه، به شماره «۱۷۲۷»، مورخ سال ۵۵۱ق. این نسخه، کهنترین نسخه موجود تاریخ‌دار این کتاب در جهان می‌باشد؛ ۲- نسخه کتابخانه وزارت معارف ترکیه، در آنکارا، به شماره «۱۱۱»، مورخ سال ۵۹۴ق؛ ۳- نسخه کتابخانه عمومی بورسه، از کتاب‌های حسین چلبی، به شماره «۷۶۳»، مورخ سال ۶۹۷ق؛ ۴- نسخه کتابخانه ملی پاریس، به شماره «۳۷۵ فارسی»، کتابت در سده ششم یا هفتم ق؛ ۵- نسخه دیگر همانجا، به شماره «۳۷۶ فارسی»، مورخ سال ۶۷۸ق؛ ۶- نسخه دیگر همانجا، به شماره «۳۸۳ فارسی»، مورخ سال ۶۶۴ق؛ ۷- نسخه کتابخانه بودلیان، در شهر آکسفورد انگلستان، به شماره «۱۰۰- FRASER»، کتابت در سده هفتم ق؛ ۸- نسخه دیگر همانجا، به شماره «MS.PERS.F12»، مورخ سال ۷۳۰ق؛ ۹- نسخه کتابخانه گوتا، در آلمان، به شماره «HAL ۱۲۳»، مورخ سال ۷۳۶ق؛ ۱۰- نسخه کتابخانه نافذپاشا، در استانبول ترکیه، به شماره «۱۰۱۰»، مورخ سده هفتم یا هشتم ق؛ ۱۱- نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، در تهران، به شماره «۱۸۸۰»، مورخ سده هشتم ق.

متن عربی و نیز همین ترجمه فارسی، بارها در ایران، مصر، هند و جاهای دیگر چاپ و منتشر شده است. یکی از صحیح‌ترین نسخه‌های چاپ شده موجود، همان چاپ انتشارات دانشگاه تهران است که به تصحیح و مقدمه بسیار سودمند مرحوم استاد مجتبی مینوی، بر اساس نسخه‌های خطی کهن یاد شده، در سال ۱۳۴۳ش، در قطع رحلی، چاپ شده است.

۲. دنباله تبار وی چنین است: ابن‌الامام قاضی ابی سلیمان «امام فندق» ابن‌امام ایوب بن امام حسن بن عبدالرحمان قاضی ابوالحسن احمد بن عبیدالله بن عمرو بن حسن بن عثمان بن ایوب بن خزیمه بن محمد بن عماره بن خزیمه بن ثابت...».

جوامع احکام النجوم<sup>۱</sup> به فارسی، در ۳ مجلد؛ و کتاب قصص الانبیاء و کتاب لباب الانساب واللقاب والاعقاب<sup>۲</sup>، به عربی؛ و کتاب تاریخ بیهق، به فارسی<sup>۳</sup>؛ و کتاب معارج

۱. این کتاب بعد از تألیف معارج الحکمة و تمة صوان الحکمة، به نگارش درآمده و شامل ۱۰ فصل است. در مقدمه آن چنین آمده: «جوامع احکام النجوم نامیدم چه آن را از سخنان پیشینیان و پسینیان فراهم آوردم و هرچه در آنها بود، در اینجا گرد کردم و بیشتر از نگارشهای زرادشت، ماشاءالله، ابو معشر، احمد عبدالجلیل، ابن الخصیب، غلام زحل، توفیل رومی، حنه هندی گرفته‌ام...». بیهقی این اثر را در اختربینی نگاشته؛ اما مبحثهای ستاره‌شناسی را به خلاصه‌الزیجات و امثلة الاعمال النجومیة خویش بازگشت می‌دهد. متأسفانه نسخه‌های کهنی که در سده‌های هفتم تا نهم ق نوشته شده باشد، وجود ندارد و در کتابخانه‌های داخل و خارج نیز کمتر وجود دارد. نسخه‌های موجود این کتابخانه بزرگ از سده‌های دهم ق به بعد کتابت شده است. مرحوم استاد محمدتقی دانش‌پژوه، در مقدمه معارج نهج البلاغه نوشته است: «از این جوامع یک نسخه، در کتابخانه سپهسالار سابق، به شماره «۶۴۰»، موجود است، و نیز پنج نسخه دیگر در جاهای مختلف وجود دارد که قدیمترین آن، مورخ ۹۴۹ق است که در سبزوار کتابت شده است، و نیز نسخه‌ای در بنگال هند، به شماره «۱۴۹۳» موجود است» و همچنین چهار نسخه دیگر در این کتابخانه بزرگ، بدین ترتیب موجود می‌باشد: ۱- نسخه شماره «۷۳۸۵»، به خط نستعلیق، مورخ سده سیزدهم ق؛ ۲- نسخه شماره «۶۲۱۷»، مورخ دوشنبه ۸ رمضان سال ۱۲۴۴؛ ۳- نسخه شماره «۶۴۳۶»، به خط نستعلیق، در سه‌شنبه ۹ ذی‌قعدة سال ۱۲۴۸.

۲. این کتاب را وی، در جمادی‌الآخر سال ۵۵۸، به خواهش جمال‌الاسلام عمادالدین ابوسلیمان یا ابوالحسن علی‌بن محمدبن یحیی حسنی علوی نسابه، نگاشته و به کتابخانه او هدیه کرده است. خوشبختانه این اثر مهم - که در علم تبارشناسی است - با مقدمه بسیار مفصل و سودمند پدر بزرگوارم مرحوم حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی<sup>علیه السلام</sup> به نام: «کشف الازتیاب فی ترجمة صاحب لباب الانساب»، در سال ۱۴۱۰ق، در دو جلد، با تحقیق حجت‌الاسلام سید مهدی رجائی، از سوی انتشارات کتابخانه بزرگ معظم‌له، برای نخستین بار و بر اساس نسخه‌های خطی موجود در این کتابخانه و دیگر کتابخانه‌ها، چاپ و منتشر شده است.

۳. یک نسخه نفیس از تاریخ بیهق، مورخ سال ۸۳۵ق، در کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن؛ و نسخه‌ای دیگر در کتابخانه عمومی برلین، در آلمان، مورخ سال ۲۶۵ق، و نسخه‌ای در لکهنو هند؛ و نسخه دیگر در کتابخانه مرکز شرق‌شناسی بیرونی، در تاشکند ازبکستان، مورخ سال ۱۰۵۷ق، نگهداری می‌شود. شرق‌شناس مشهور روسی «بارتولد»، در مورد این نسخه، در دائرةالمعارف اسلامی، به زبان روسی، ذیل «بیهق» و نیز در کتاب ترکستان خود نام آورده است.

تاریخ بیهق، تاکنون چندنوبت به چاپ رسیده است، از جمله: ۱- چاپ نخست، به تصحیح و تعلیقات مرحوم استاد احمد بهمنیار، از سوی بنگاه دانش، در چاپخانه کانون، در تهران، به سال ۱۳۱۷ش؛ ۲- چاپ دوم با همان تعلیقات و با مقدمه مرحوم علامه محمدقزوینی، به وسیله انتشارات فروغی، در چاپخانه اسلامیة تهران، به سال ۱۳۴۸ق / ۱۳۰۸ش؛ ۳- چاپ مجدد انتشارات فروغی، در چاپخانه افست مروی، تهران، سال ۱۳۶۱ش، با همان تصحیح و تعلیقات و مقدمه؛ ۴- چاپ دائرةالمعارف‌العثمانیة حیدرآباد هند، به سال ۱۹۶۸م، به کوشش دکتر قاری سید کلیم‌الله حسینی - استاد دانشگاه عثمانیه - و با مقدمه مفصل وی به زبان انگلیسی؛ چاپ و منتشر شده است.

نهج البلاغة<sup>۱</sup>، به عربی؛ و تمة صوان الحکمة<sup>۲</sup>؛ و معارج الحکمة و بسیاری دیگر.

۱۸. محمدبن ایوب حاسب طبری، از ستاره‌شناسان و ریاضی‌دانان سده چهارم و پنجم ق، مؤلف کتاب تحفة الغرائب فی النیرنج والعجایب - یکی از نثرهای کهن فارسی - است. کهنترین نسخه موجود این کتاب که در نیمه نخست سده هفتم ق کتابت شده، به شماره «۱۲۳۸۰»، در این کتابخانه بزرگ موجود است.<sup>۳</sup>

۱. شرحی است بر کتاب نهج البلاغة شریف رضی به عربی؛ این کتاب یکی از قدیمترین شروحنی است که بر نهج البلاغة نگاشته شده است، وی آن را در ۱۳ جمادی‌الاول سال ۵۵۱، به خواهش جمال‌المحققین ابوالقاسم علی بن حسن حونقی نیشابوری به پایان برده و آن را به کتابخانه جلال‌الاسلام ملک النقباء عمادالدین ابو سلیمان علی بن محمدبن یحیی حسنی علوی - همو که لباب الانساب را برایش ساخته - ارمغان نموده است. خوشبختانه این اثر مهم نیز، بر اساس یک نسخه مورخ یکشنبه ۱۴ صفر سال ۷۰۵ که به شماره «۲۰۵۲»، در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، در مشهد مقدس، موجود است، با تصحیح و مقدمه مرحوم استاد محمد تقی دانش‌پژوه، به سال ۱۴۰۹ ق، در یک مجلد، از سوی کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی<sup>۴</sup>، در قم، چاپ شده است.

۲. این کتاب، به کوشش محمد کردعلی، در سال ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۸ م، به نام: تاریخ حکماء الاسلام، و نیز به عنوان: تمة صوان الحکمة، به کوشش محمد شفیع لاهوری، به سال ۱۳۵۱ ق / ۱۹۳۵ م، در لاهور پاکستان چاپ و منتشر شده است.

۳. نسخه‌های دیگری از این کتاب، در کتابخانه‌های مختلف موجود است که برخی از آن‌ها چنین است: ۱- نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره «۱۳۵۴/۲»، مورخ سده هفتم یا اوایل سده هشتم ق. این نسخه، منبع اصلی تحقیق و چاپ کتاب، بوده است؛ ۲- نسخه دیگر در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره «۲۱۶۰/۴»، مورخ سده نهم ق؛ ۳- نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره «Add 27261»، مورخ جمادی‌الاول تا جمادی‌الآخر سال ۸۱۳ و ۸۱۴ این نسخه نفیس هنری، دارای ۲۱ نگاره است. کاتبان آن، محمد حلوانی کاتب و محمد کاتب بوده‌اند و آن را برای جلال‌الدین اسکندرین عمر شیخ - والی فارس و از نوادگان تیمور - نوشته‌اند؛ ۴- نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به شماره «۳۲۳۸/۲»، مورخ سال ۸۹۲ ق؛ ۵- نسخه کتابخانه مجلس سنا سابق، به شماره «۱۷۱۹۵»، مورخ غره شعبان سال ۹۲۹. در ضمن، یک نسخه کهن و نفیس، با عنوان: منتخبات تحفة الغرائب، به شماره «۲۲۱۳/۲۸»، در کتابخانه مرکز شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی، در شهر تاشکند ازبکستان، وجود دارد که ضمن مجموعه‌ای که کتابت رساله‌های آن، در سالهای ۷۴۵ تا ۷۹۱ ق است. این نسخه، در هامش این مجموعه کتابت شده است. به جز نسخه‌های معرفی شده فوق، نسخه‌های دیگری در کتابخانه‌ها وجود دارد که کتابت آن، در سده‌های یازدهم ق به بعد است.

کتاب تحفة الغرائب، برای نخستین بار، به سال ۱۳۷۱ ش، همان‌گونه که در سطرهای پیشین ذکر شد، بر اساس نسخه شماره «۱۳۵۴/۲» کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به تصحیح جلال متینی، در تهران، چاپ و منتشر شده است.



۱۹. سید زین‌الدین ابو ابراهیم اسماعیل بن حسن بن محمد حسینی جرجانی (م ۵۳۰ یا ۵۳۵ق)، پزشک نامدار ایرانی و مؤلف آثار ارزنده‌ای در طب، از جمله: الاغراض الطیبة والمباحث العلالیة<sup>۱</sup>، به فارسی؛ - معروف‌ترین اثر مهم و ارزنده او - کتاب ذخیره خوارزمشاهی، به فارسی است. چندین نسخه نفیس از این کتاب که در سده هفتم ق کتابت شده، در این کتابخانه، موجود است.<sup>۲</sup> یکی از آنها، نسخه‌ای است به خط نسخ مُعرب محمدبن

۱. نسخه کهن و نفیسی از این کتاب که در سال ۷۸۹ق، به خط نسخ خوش، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

۲. نسخه‌های این کتابخانه: به شماره «۷۱۷۳»، مورخ سال ۶۷۸ق، به خط نسخ حسین بن زکریابن حاج حسین دهستانی که آن را برای یکی از امرای وقت کتابت نموده است؛ ۲- نسخه دیگر این کتابخانه که در سده هفتم ق کتابت شده، به شماره «۶۸۱۲»؛ ۳- نسخه شماره «۷۸۱۰»، این کتابخانه، مورخ سده هفتم ق، به خط نسخ.

قدیمترین نسخه این کتاب، به شماره «۳۶۱۴»، مورخ دوشنبه ۴ محرم الحرام سال ۴۷۱ است که در کتابخانه نور عثمانیه استانبول، موجود و به خط نسخ عمر بن ابوبکر بن عطا ملک کیدانی است؛ نسخه کهن دیگری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود که بخشی از آن، در سالهای ۵۷۲ و ۵۷۷ق و بخشی دیگر، در سده هفتم ق کتابت شده است؛ نسخه دیگری در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به شماره «۶۲۲۷»، مورخ سال ۵۸۱ق؛ نسخه دیگر در کتابخانه شخصی دکتر اصغر مهدوی، در تهران، مورخ سده ششم یا هفتم ق؛ نسخه کتابخانه شخصی منوچهر بزرگمهر، مورخ ۲ رجب سال ۴۸۰. در تاریخ این نسخه دست‌کاری شده است؛ نسخه دیگری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره «۱۲۹۴»، مورخ رجب سال ۵۴۶. به ظاهر این تاریخ ساختگی و کتابت آن، در سده هفتم یا هشتم ق است. به خط نسخ ابو محمدبن محمدبن بینمان کاتب؛ نسخه دیگری در کتابخانه شخصی دکتر اصغر مهدوی، مورخ رمضان سال ۵۵۹، به خط نسخ عبدالرحمان بن ابی‌بکر بن ابوالقاسم؛ نسخه کتابخانه رضا رامپور در هندوستان، به شماره «۴۲۱م»، مورخ سال ۵۶۵ق، به خط ابو محمدبن محمدبن سلیمان بن یوسف هروی؛ نسخه کتابخانه وهبی افندی، در استانبول ترکیه، به شماره «۱۳۵۹»، مورخ جمعه ۱۵ شوال سال ۶۰۳؛ مجلد دیگر این نسخه، با همان مشخصات، به شماره «۱۳۶۰»، کتابت در ماه رجب سال ۶۰۳؛ نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره «OR ۶۳۹۰/۱»، کتابت در ربیع‌الآخر سال ۶۱۲؛ نسخه کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، کتابت در سده ششم و هفتم ق، نسخه کتابخانه ملی تبریز، به شماره «۳۶۱۹»، مورخ سال ۶۲۶ق؛ نسخه دیگر همانجا، به شماره «۳۶۱۱»، مورخ سال ۶۲۶ق که احتمالاً نیمه دیگر نسخه قبلی باشد؛ نسخه دیگری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره «۲۴۹۳»، مورخ ۱۴ ربیع‌الاول سال ۶۳۰ که با اصل نسخه مقابله شده و به خط مؤلف، در شهر افرا، در روم است. نسخه دیگری نیز در همانجا، به شماره «۱۸۹۳»، به خط نسخ ابو علی حسن بن ابراهیم سلماسی، در سال ۶۳۱ق که عنوانها کوفی است و این

ابراهیم بن محمد بن حسن ملک بن علی بن محمد بن ابراهیم بن حمزه بن عبیدالله بن محمد بن علی بن ابی طالب علیه السلام که در ماه جمادی الاول سال ۶۸۶ کتابت شده است.

→ نسخه را کاتب، برای خزانه نوشیروان بن مسعود بن محمد بن بهرام شاه کتابت نموده است؛ نسخه کتابخانه مجلس سنای سابق، به شماره «۲۳۲۷»، به خط نسخ یوسف بن محمد بن فضل الله حسینیہ جاجرمی، در روز پنجشنبه ۲۲ ذی‌قعدة سال ۶۶۸، نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی، به شماره «۵۵ پزشکی»، به خط نسخ یونس بن ابی بکر، در سال ۶۶۹ق؛ نسخه کتابخانه سلیمیہ، در شهر ادرنه ترکیه، به شماره «۴۳۵»، به خط نسخ، مورخ سال ۶۶۹ق؛ نسخه کتابخانه فاتح، در استانبول ترکیه، به شماره «۳۵۱»، به خط نسخ احمد بن عبیدالله بن علی، در نیمه رمضان سال ۶۷۰؛ نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره «OR ۵۸۴۱»، مورخ سال ۶۷۱ق؛ نسخه کتابخانه محمد شفیع، در لاهور پاکستان، مورخ سال ۶۷۱ق، به خط محمد بن احمد سمنانی؛ نسخه کتابخانه ملی ملک، در تهران، به شماره «۴۹۳»، مورخ سال ۶۷۳ق، به خط نسخ محمد بن محمد بن محمد قاضی؛ نسخه کتابخانه ملی، در تهران، به شماره «۱۸۹۰/ف»، مورخ سال ۶۷۶ق؛ نسخه کتابخانه مدرسه سپهسالار سابق، به شماره «۷۹۱»، به خط نسخ علی بن اسماعیل بن ابراهیم بن احمد گرگانی، مورخ دوشنبه ۲۰ رجب سال ۶۹۱؛ نسخه دیگری در کتابخانه موزه بریتانیا، لندن، به شماره «OR ۵۳۱۷»، مورخ سال ۶۹۵ق.

نسخه‌های نفیس دیگری در کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور وجود دارد که کتابت آن‌ها در سده‌های هشتم و نهم ق است، از جمله نسخه‌های: کتابخانه مجلس، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه ملی تبریز، کتابخانه ملی ملک، کتابخانه مغنیسا در ترکیه، کتابخانه سلیمیہ در شهر ادرنه ترکیه، کتابخانه دانشکده پزشکی دانشگاه تهران، کتابخانه فاتح در استانبول، کتابخانه دانشسرای عالی تهران، کتابخانه مسجد اعظم قم، کتابخانه موزه عراق در بغداد، کتابخانه انستیتو آثار خطی تاجیکستان در شهر دوشنبه، نسخه کهن کتابخانه ولی‌الدین افندی در استانبول ترکیه، کتابخانه مؤسسه شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی در شهر تاشکند ازبکستان.

در ضمن، این کتاب، از سوی تنی چند از پزشکان، بعد از عصر مؤلف تلخیص شده و با گزیده‌ای از این کتاب و چند کتاب دیگر پزشکی است. یک نسخه بسیار نفیس و کهن از منتخب آن که در سال ۶۲۶ق کتابت شده و شامل نیمی از کتاب است و مؤلف آن ناشناخته می‌باشد؛ و نیز نسخه‌ای دیگر که نسبتاً کهن و نفیس و گزیده‌ای از ذخیره خوارزمشاهی و دیگر کتاب‌های پزشکی است و در سده نهم ق کتابت شده، در این کتابخانه بزرگ موجود است.

بخشهایی از کتاب ذخیره، تاکنون چاپ و منتشر شده است، از جمله: ۱- چاپ دانشگاه تهران، جلد اول و دوم سال ۱۳۴۴ش، به کوشش مرحوم استاد محمد تقی دانش‌پژوه و ایرج افشار؛ ۲- چاپ انجمن آثار ملی در تهران، سال ۱۳۴۴ش، جلد اول، به تصحیح دکتر محمد حسین اعتمادی، دکتر محمد شهادت و دکتر جلال مصطفوی، در چاپخانه بهمن تهران؛ ۳- چاپ کامل کتاب، به صورت تصویری، در سال ۱۳۵۵ش، به تصحیح سعیدی سیرجانی، از سوی انتشارات فرهنگ ایران. این نسخه، از روی نسخه کامل و کهن مورخ ۱۵ ربیع‌الآخر سال ۶۰۳، موجود در کتابخانه مجلس شورای ملی سابق، چاپ شده است.

۲۰. نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل بن ابوالحسین بن ابوالفضل قزوینی (۵۰۴-۵۸۵ق)، از بزرگان و عاظم و علمای مذهبی شیعه و صاحب کتاب معروف النقض.<sup>۱</sup>
۲۱. شرف‌الدین ابوالفضل حُبیش بن ابراهیم متطبّب تغلیسی (م ۶۲۹ق)، صاحب آثاری چون: وجوه قرآن؛ بیان الطب؛ القوافی و قانون الادب، به فارسی.
۲۲. ابوالحسن نظام‌الدین یا نجم‌الدین احمد بن عمر بن علی نظامی عروضی سمرقندی، از شعرا و نویسندگان سده ششم ق، مؤلف کتاب مجمع‌النوادر معروف به: چهارمقاله. نسخه خطی نفیسی از آن در کتابخانه عاشرافندی، در استانبول، به شماره «۲۸۵»، مورخ سال ۸۳۵ق که در هرات نوشته شده، موجود است.<sup>۲</sup>
۲۳. رشیدالدین ابو حامد محمد بن محمد بن عبدالجلیل عمری «رشیدالدین و طواط» (م ۵۷۳ق)، از معاصران و آشنایان قطان مروزی، و مؤلف کتاب حدائق السحر و دقائق الشعر<sup>۳</sup>، به فارسی و کتاب‌های دیگر. دو نسخه کهن از این کتاب، موجود است: ۱- نسخه مورخ جمعه ۲۰ محرم سال ۶۸۶، ضمن مجموعه شماره «۱۶۱۳»؛ ۲- نسخه مورخ ربیع الآخر سال ۶۹۲، به خط نسخ سید شمس‌الدین بخاری، ضمن مجموعه «۱۳۹۲». هر دو نسخه، در کتابخانه کوپریلی، در استانبول، نگهداری می‌شود؛ نسخه‌ای دیگر ضمن مجموعه شماره «۷۳۰۸/۵»، مورخ سال ۸۸۹ق، در این کتابخانه بزرگ موجود است.
۲۴. ابوالفتوح رازی جمال‌الدین حسین بن علی بن ابوسعید محمد بن ابوبکر

۱. کتاب النقض، معروف به، بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، تاکنون دو نوبت به چاپ رسیده است؛ نخستین بار سال ۱۳۷۱ق / ۱۳۳۱ش، در تهران، با مقدمه و تعلیقات مرحوم استاد سید جلال‌الدین محدث ارموی؛ و دومین بار نیز، با همان تحقیقات، در سال ۱۳۵۸ش، از سوی انجمن آثار ملی، در تهران، چاپ و منتشر شده است.

۲. نسخه‌های کهن و قدیمی از این کتاب کمتر در کتابخانه‌ها یافت می‌شود، مرحوم علامه قزوینی، در سال ۱۳۴۵ق، این اثر را در شهر برلین آلمان، بر اساس نسخه چاپی سال ۱۳۰۵ق تهران و دو نسخه خطی دیگر در کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، مورخ سال ۱۰۱۷ و ۱۲۷۴ق، تصحیح و چاپ کرده است.

۳. کتاب حدائق السحر، تاکنون چند نوبت چاپ شده که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱- چاپ سنگی سال ۱۳۰۲ق، در قطع رحلی که به ضمیمه کتاب پریشان قآنی به چاپ رسیده است؛  
 ۲- چاپ کتابخانه مجلس شورای ملی سابق، در تهران، با مقدمه مرحوم استاد عباس اقبال؛  
 در ضمن این کتاب به عربی، از سوی ابراهیم امین شورابی، ترجمه شده و به سال ۱۳۶۴ق / ۱۹۴۵م، در قاهره، چاپ و منتشر شده است.

احمد بن حسین بن احمد بن ابراهیم بن فضل خُزاعی نیشابوری رازی (م بعد ۵۸۵ق)، از عالمان و مفسران بزرگ شیعه و صاحب تفسیر معروف فارسی روض الجنان و روح الجنان؛ نسخه بسیار کهن و نفیسی که در سال ۵۹۵ق کتابت شده، به شماره «۳۶۸»، در این کتابخانه بزرگ موجود است.

نسخه‌های کهن و نفیس دیگری از این کتاب، در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد، از جمله: ۱- نسخه کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، به شماره «۱۳۶» تفسیر»، کتابت در سال ۵۵۶ق، به خط حیدر بن محمد بن اسماعیل بن سلیمان بن ابراهیم اردلانی نیشابوری؛ ۲- نسخه دیگر همانجا، کتابت سال ۵۵۷ق، به خط ابوزید بن بندار بن محمد براوستانی؛ ۳- نسخه کتابخانه شخصی مرحوم محدث ارموی، کتابت ماه صفر سال ۵۷۹؛ ۴- نسخه دیگر همانجا، مورخ سال ۵۷۹ق که احتمالاً جلد دیگر نسخه قبلی باشد؛ ۵- نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره «۱۰۵۰»، کتابت ماه صفر سال ۵۹۵؛ ۶- نسخه دیگر همانجا، به شماره «۲۰۴۴»، مورخ سده ششم یا هفتم ق؛ ۷- نسخه دیگر همانجا، مورخ سده هشتم یا نهم ق؛ ۸- نسخه دیگر کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته، کتابت سده هشتم ق؛ ۹- نسخه کتابخانه پتینه، در هند، به شماره «۴۹۰۲»، کتابت سال ۷۳۴ق، به خط تاج‌الدین عمر خوافی؛ ۱۰ و ۱۱- دو نسخه در کتابخانه بانکی پور، در هند، به شماره «۱۱۳۷» و «۱۱۳۹»، کتابت سال ۷۳۴ق؛ ۱۲- نسخه کتابخانه شخصی دکتر اصغر مهدوی، در تهران، کتابت سال ۷۷۱ق، به خط عبدالسلام بن محمد بن علی؛ ۱۳- نسخه کتابخانه ملی تبریز، به شماره «۳۵۸۵»، کتابت سال ۸۸۸ و ۸۹۰ق، به خط محمد بن رضی‌الدین محمد حافظ رضوی؛ ۱۴- نسخه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، به شماره «۳-۲۷۹۹/ف»، کتابت سده هشتم یا نهم ق؛ ۱۵- نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره «OR-۱۱۸۶»، کتابت سده دهم ق. نسخه‌های بسیار دیگری، در کتابخانه‌های داخل و خارج موجود است که در سده‌های نهم و دهم ق به بعد کتابت شده است. این تفسیر مهم شیعی، برای نخستین بار، در سال ۱۳۲۳ ش به بعد، در ۵ مجلد، چاپ و منتشر شده و نیز از روی همین چاپ، به صورت افست، در سال ۱۴۰۹ق، از سوی انتشارات این کتابخانه بزرگ چاپ و منتشر شده است. سومین چاپ آن نیز، در ۱۲ جلد، از سوی

انتشارات اسلامیه، در تهران، به تصحیح مرحوم آیت‌الله استاد ابوالحسن شعرانی و تصحیح استاد علی‌اکبر غفاری، به سال ۱۳۵۶ ش، چاپ شده و تازه‌ترین چاپ آن، در ۲۰ مجلد، از سوی انتشارات آستان قدس رضوی، به تصحیح دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح چاپ شده که جلد نخست آن، در سال ۱۳۷۱ ش، منتشر شده است.

۲۵. صفی‌الدین یوسف بن عبدالله بن یوسف لؤلؤئی اندخودی،<sup>۱</sup> از مفسران سده ششم ق و مؤلف تفسیر عرفانی فارسی ینایع العلوم.<sup>۲</sup> کهنترین نسخه موجود این تفسیر که در ۱۰ محرم سال ۶۶۱ کتابت و از آغاز تا انجام آن تصحیح و مقابله شده، در این کتابخانه بزرگ، به شماره «۲۹۶» نگهداری می‌شود.

۲۶. شمس‌الدین محمد بن قیس رازی، از دانشمندان نیمه نخست سده هفتم ق، مؤلف کتاب‌های الکافی فی العرویین والقوافی والمُعرب فی اشعار العرب والمعجم فی معاییر اشعار العجم<sup>۳</sup>، به فارسی. نسخه‌های کهن و نفیسی از این اثر، در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد<sup>۴</sup>؛

۱. «اندخود» محلی قدیمی که در جنوب خراسان قرار داشته است.

۲. نام این تفسیر، در بیشتر فهرستهای نسخه‌های خطی کتابخانه‌های داخل و خارج نیامده است؛ تنها یک نسخه، در کتابخانه نذیر احمد و علی‌احمد صاحبان، در پاکستان، وجود دارد که کتابت آن در سده یازدهم یا دوازدهم ق است.

۳. کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم، به تصحیح مرحوم علامه محمد قزوینی و مقابله مرحوم استاد مدرس رضوی، از سوی انتشارات دانشگاه تهران، در سال ۱۳۳۵ ش، چاپ و منتشر شده است.

۴. از جمله: ۱- نسخه کتابخانه شخصی ذکاءالملک فروغی، مورخ جمادی‌الاول سال ۷۷۵ که مشخص نیست، پس از درگذشت وی به کجا رفته است؛ ۲- نسخه کتابخانه شخصی میرزا عبدالرحمان، مدرس آستان قدس رضوی، در مشهد مقدس که پس از درگذشت وی، به فرزندش میرزا اسدالله مدرس زاده رحمانی رسیده و در حال حاضر مشخص نیست، کجاست؛ ۳- نسخه کتابخانه شخصی حاج شیخ فضلعلی مجتهد تبریزی که پس از رحلت ایشان، به فرزندش آقای مولوی رسیده است. این نسخه، یکی از نفیس‌ترین نسخه‌های موجود این کتاب به شمار می‌رود؛ زیرا نسخه، در کتابخانه شخصی استاد ادب و شاعر نامدار سده نهم ق، مولانا عبدالرحمان جامی قرار داشته و چند سطر خط وی، در حاشیه‌ای از برگ‌های آن مشهود است؛ ۴- نسخه کتابخانه ایاصوفیه، در استانبول ترکیه، به شماره «۴۲۷۲»، مورخ سال ۸۸۱ ق. این کتاب، بر اساس نسخه‌های یادشده، به وسیله مرحوم علامه محمد قزوینی و با مقابله مرحوم استاد مدرس رضوی، تصحیح و از سوی انتشارات دانشگاه تهران، در سال ۱۳۳۵ ش، چاپ و منتشر شده است. همچنین چاپ دیگری، به کوشش شرق‌شناس مشهور انگلیسی «دوارد براون» و علامه محمد قزوینی، در بیروت، به سال ۱۳۲۷ ق، چاپ و منتشر شده است.

کهنترین آن‌ها نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی است که در نیمه دوم سده هفتم ق نوشته شده است.

۲۷. شمس‌الدین محمدبن مسعود بخاری غزنوی (م ۵۸۲ق)، مؤلف کتاب‌های: آثار علوی، در طبیعیات و کائنات جو<sup>۱</sup>؛ کفایة‌التعلیم فی صناعة‌التنجیم؛ جهان‌دانش و غیر آنها. نسخه کهن و بسیار نفیسی از آثار علوی که در سده هفتم ق کتابت شده، به شماره «۱۰۵۸۶»، به خط نسخ محمودبن بختیار اتابکی، در این کتابخانه بزرگ وجود دارد.

۲۸. الرسالة النظامية في العلوم الحسابية، در علم حساب، از مؤلفی مجهول، نسخه کهن

۱. این کتاب، به تصحیح مرحوم استاد محمدتقی دانش‌پژوه، برای نخستین بار، در تهران، به چاپ رسیده است. نسخه کهن دیگری از آن که در سده هشتم ق کتابت شده است، ضمن مجموعه شماره «۱۶۲۴»، در کتابخانه کوپریلی، در استانبول ترکیه، موجود است. همچنین نسخه‌های دیگری در کتابخانه‌ها وجود دارد که برخی از آن‌ها از این قرار است: ۱- نسخه کتابخانه شخصی مرحوم فخرالدین نصیری امینی که پس از درگذشت وی، به دخترش رسیده و مورخ جمادی‌الاول سال ۷۵۳ است. این نسخه، منبع اصلی تصحیح مرحوم دانش‌پژوه، در چاپ کتاب بوده است؛ ۲- نسخه دیگر همانجا، مورخ سال ۱۰۰۵ق؛ ۳- نسخه کتابخانه شخصی مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی، مورخ سال ۱۳۳ق؛ ۴- نسخه کتابخانه دارالکتب المصریة، در قاهره، به شماره «۱-۲۰۰»؛ ۵- نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول، در ترکیه، به شماره «۱۲۹۹»، مورخ سال ۱۱۷۱ق، به خط عبدالله بن اسماعیل؛ ۶- نسخه کتابخانه مدرسه سپهسالار سابق، به شماره «۷۴۲۶»، بی‌تاریخ؛ ۷- نسخه کتابخانه عمومی - دولتی سالتیکوف شچدرین، در شهر سن‌پترزبورگ روسیه، به شماره «۱-۴۳»، مورخ سال ۱۲۱۰ق.

یادآور می‌شود، چند نسخه به نام آثار علوی در کتابخانه‌ها وجود دارد که غیر از آثار علوی مورد نظر است، از جمله: آثار علوی، در کائنات جو، از میرزا محمد حسن شیروانی (م ۱۰۹۸ق) که به نام شاه عباس صفوی، تألیف نموده است. نسخه‌های خطی آن، در کتابخانه علمی یزد، به شماره «۱۰/۱۳»، مورخ ۱۰۹۲ق؛ و در کتابخانه مرحوم آیت‌الله سید حسن صدر، در کاظمین، به خط محمد مؤمن بن ابوالمفخر بن ملک علی تونی، مورخ ۲۳ ربیع‌الآخر سال ۱۱۴۸؛ همچنین نسخه‌ای دیگر با عنوان آثار علوی، در کائنات جو، از محمدباقر بن اسماعیل خاتون‌آبادی، در کتابخانه مدرسه سپهسالار سابق، به شماره «۱۸۴۴»، موجود است و نیز نسخه‌ای دیگر با نام آثار علوی، تألیف ابو حاتم اسفزاری، در کتابخانه مرکز دائرة‌المعارف بزرگ اسلامی، در تهران، به شماره «۱/۱۵۲»، مورخ سال ۱۱۷۴ق؛ و نسخه‌ای دیگر از آن، در کتابخانه مدرسه سپهسالار سابق، در تهران، به شماره «۲۹۱۱»، وجود دارد. چند نسخه دیگر به نام آثار علوی، مؤلف ناشناخته - دو نسخه، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و دو نسخه، در کتابخانه مدرسه سپهسالار سابق - نیز، موجود است.

و نفیسی از این اثر که در سده هفتم ق کتابت شده، به شماره «۱۱۴۱۷»، در این کتابخانه بزرگ وجود دارد.<sup>۱</sup>

۲۹. محمد بن ابوالبرکات جوهری نیشابوری (م اواخر سده ششم یا اوایل سده هفتم ق)، مؤلف کتاب جواهرنامه، در طبیعیات، به فارسی که آن را در سال ۵۹۲ق، برای نظام‌الدین ابوالفتح مسعود ابهری - وزیر سلطان تکش خوارزمشاه - تألیف کرده است. کهنترین نسخه موجود این کتاب که در نیمه دوم سده ششم ق، در عصر مؤلف کتابت شده، به شماره «۱۱۸۵۲»، در این کتابخانه بزرگ موجود است.

۳۰. ابوالمفاخر بن ابوالعلاء اصفهانی، از دانشمندان اوایل سده هفتم ق، مؤلف کتاب اختیارات کارها و حوائج ایام، که دانشنامه‌ای است، در غالب مسایل جهان، در عصر مؤلف. تنها نسخه موجود کهن آن، در قطع بیاضی که در نیمه دوم سده هفتم ق کتابت شده، به شماره «۱۱۰۸۰»، در این کتابخانه بزرگ موجود است.<sup>۲</sup>

۳۱. نجم‌الدین ابوبکر بن محمد بن شاهاور بن انوشروان رازی، از دانشمندان نیمه دوم سده ششم و اوایل سده هفتم ق، مؤلف کتاب مشهور مرصادالعباد، در عرفان، از نثرهای جاویدان و یکی از نفایس متون فارسی است. نسخه‌های نفیس و کهنی از این اثر، در کتابخانه‌های جهان وجود دارد که یکی از کهنترین آنها، نسخه کتابخانه شهر بورسای ترکیه، به شماره «۶۶۴» که در ۲۲ رمضان سال ۶۸۴، «۶۴ سال پس از تألیف کتاب و سی سال بعد از درگذشت مؤلف»، نوشته شده است. همچنین نسخه کهن دیگری، به شماره «۳۴۵۴»، مورخ ۵ رجب سال ۷۹۳ و نسخه دیگر، به شماره «۹۵۰۲»،

۱. این کتاب، بسیار کمیاب و نسخه‌های آن نادر است؛ غیر از نسخه کهن موجود که در متن معرفی شد، نسخه‌ای دیگر، به شماره «۵۹۹۱»، مورخ ۲۸ ذیحجه سال ۱۰۶۷، به خط نستعلیق محمد صالح بن پیرداد، در این کتابخانه بزرگ موجود است که در حاشیه تصحیح شده و نشان مقابله دارد. همچنین یک نسخه دیگر، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود دارد که نسخه کهنی نبوده و تاکنون فهرست نشده است. غیر از این نسخه‌ها، نسخه دیگری در فهرستهای نسخه‌های خطی کتابخانه‌ها، معرفی نشده است.

۲. این نسخه نفیس و منحصر راه، به ضمیمه دو نسخه کهن و نفیس دیگر، سه سال قبل، برای این کتابخانه بزرگ خریداری نمودم. نسخه دیگری از این کتاب را در هیچ یک از فهرس موجود نیافتم؛ بنابراین، به احتمال قوی این نسخه، منحصر بفرده است.

مورخ ۱۳ ذیحجه سال ۹۷۶ و نسخه دیگر، به شماره «۷۸۵۶»، مورخ سده دهم ق، در این کتابخانه بزرگ موجود است.<sup>۱</sup>

۳۲. اسحاق بن ابراهیم بن ابی الرشید بن غاذم طائی سجاسی<sup>۲</sup>، از دانشمندان نیمه نخست سده هفتم ق<sup>۳</sup>، مؤلف کتاب فرائد السلوک فی فضائل الملوک، در اخلاق و فضائل آداب شاهان و ملوک که در ده باب تنظیم شده است. کهنترین و نفیس‌ترین نسخه آن، به شماره «۵۷۳۴»، مورخ شب سه‌شنبه ۶ ماه رجب سال ۶۴۱، به خط نسخ ابوشمس غزال بن عمر بن غزال قصبی تفلیسی، در این کتابخانه بزرگ موجود است. این نسخه را کاتب برای خزانه یکی از حاکمان،

۱. نسخه‌های نفیس دیگری از این کتاب، در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد که برخی از آن‌ها بدین قرارند: ۱- نسخه کتابخانه موزه مولانا، در شهر قونیة ترکیه، به شماره «۱۷۱۴/۱»، مورخ سده هشتم ق؛ ۲- نسخه کتابخانه رئیس‌الکتاب، در ترکیه، به شماره «۵۰۹»، نوشته سده هفتم یا هشتم ق؛ ۳- نسخه کتابخانه ملی وین، در اتریش، مورخ جمعه اوایل ربیع‌الاول سال ۶۸۵؛ ۴- نسخه کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران، نوشته سده هفتم ق، بدون آغاز و انجام. این نسخه پیشتر در کتابخانه شخصی مخبرالسلطنه هدایت، در تهران، قرار داشته است. مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه، در صفحه ۱۹۱ فهرست نسخه‌های خطی آن دانشکده، وصف این نسخه را آورده است؛ ۵- نسخه کتابخانه فاتح، در استانبول ترکیه، به شماره «۲۸۴۱»، مورخ سال ۷۵۰ ق، به خط ابن محمد بن مقرب؛ ۶- نسخه کتابخانه ایاصوفیه، در استانبول ترکیه، به شماره «۲۰۶۷»، مورخ دوشنبه ۲۳ جمادی‌الاول سال ۷۵۲، به خط همو؛ ۷- نسخه دیگر، در کتابخانه موزه مولانا، در شهر قونیة ترکیه، به شماره «۱۷۱۵-۱»، نوشته نیمه نخست سده هشتم ق؛ ۸- نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مورخ سال ۶۹۷ ق که به ظاهر، تاریخ آن ساختگی است و بسیار مغلوط است؛ ۹- نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، مورخ سال ۷۴۴ ق. نسخه‌های دیگری نیز، در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد که نام‌بردن از همه آن‌ها در این گزارش، میسر نیست. کتاب مرصادالعباد، چندین نوبت به چاپ رسیده است. یکی از صحیح‌ترین چاپهای آن، با مقدمه و تصحیح دکتر محمد امین ریاحی، از سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب، در سال ۱۳۵۲ ش، منتشر شده است.

۲. در جلد ۱۵ فهرست نسخه‌های خطی این کتابخانه بزرگ، «سجاسی» آمده که نادرست و صحیح آن «سجاسی» است.

۳. سعید نفیسی، در کتاب تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، می‌نویسد: «اسحاق بن ابراهیم بن ابوالرشید، از نویسندگانی است که از احوالش اطلاعی نیست و همین قدر پیدا است که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ق می‌زیسته و مؤلف کتابی است، در حکایات، به فارسی فصیح و روان، به نام: فرائد السلوک فی فضائل الملوک که در سال ۶۱۰ ق، تألیف کرده است».



نوشته است.<sup>۱</sup>

۳۳. علی بن محمد بن طاهر بن علی بن محمد بن سعید ادیب کرمینی، از بزرگان ادب در نیمه دوم سده ششم و اوایل سده هفتم ق، مؤلف کتاب تکملة الاصناف، در لغت عربی به فارسی؛ و یکی از قدیمترین فرهنگنامه‌های عربی به فارسی است. کهنترین نسخه خطی موجود آن که در همان اواخر سده ششم ق، به خط نسخ نوشته شده، در کتابخانه گنج بخش، در پاکستان، به شماره «۰۴۰» موجود است.<sup>۲</sup>

۳۴. مرزبان بن رستم بن شروین، از شاهزادگان طبرستان و مؤلف مرزبان‌نامه<sup>۳</sup> در

۱. نسخه‌های کهن دیگری از این کتاب، در کتابخانه‌های مختلف موجود است که تعدادی از آن‌ها بدین قرارند: ۱- نسخه کتابخانه ایاصوفیه، در استانبول ترکیه، به شماره «۱۹۹۵»، مورخ دوشنبه ۱۵ ذی‌قعدة سال ۶۸۶. واقف آن، سلطان محمودخان، به گواهی احمد شیخ زاده، مفتش اوقاف حرمین؛ ۲- نسخه کتابخانه ملی ملک، در تهران، به شماره «۴۰۱۴»، مورخ سده هشتم ق. این نسخه را کاتب، برای خزانه ملک الوزراء... الدین عمادالاسلام ابن عزالدین سیف بن صاحب السعید نظام، نوشته است؛ ۳- نسخه کتابخانه ملی پاریس، به شماره «S.P.۹۱»، مورخ پنجشنبه اول ربیع‌الثانی سال ۹۳۶؛ ۴- نسخه کتابخانه شماره یک مجلس شورای اسلامی، به شماره «۱۷۹۵۲»، مورخ سال ۸۳۱ ق؛ ۵- نسخه دیگر کتابخانه ملی ملک، به شماره «۳۳۶۴»، مورخ سال ۹۹۳ ق؛ ۶- نسخه کتابخانه ملی تبریز، به شماره «۳۲۹۹»، بی‌تاریخ. در ضمن دو نسخه با عنوان: فرائد السلوک فی مصادد الملوک، به شماره‌های «۹۸۵۰» و «۹۸۵۵»، در کتابخانه عمومی بغداد، در عراق، موجود است که به عربی نوشته شده و تألیف جمال‌الدین محمد بن محمد بن محمد بن نباته است، که این دو نسخه، ارتباطی با کتاب فرائد السلوک فارسی ندارد. نسخه نفیس و کهن این کتابخانه بزرگ را، اینجانب چند سال قبل با چند نسخه نفیس دیگر، به وسیله مرحوم استاد محمد تقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، برای این کتابخانه، خریداری نمودم. بحمدالله برای نخستین بار، این اثر ارزنده فارسی، بر اساس این نسخه، که کهنترین آن است و چند نسخه دیگر که یاد کردم، به وسیله دکتر نورانی وصال و دکتر غلامرضا افراسیابی، در سال ۱۳۶۸ ش، از سوی انتشارات پازنگ، در تهران، چاپ و منتشر شده است.

۲. این نسخه به صورت تصویری، از سوی مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، در شهر اسلام‌آباد، در سال ۱۳۶۳ ش/۱۴۰۵ ق، چاپ و منتشر شده است.

۳. اصلاح این کتاب، از سعدالدین وراوینی، در بین سالهای ۶۰۷-۶۲۲ ق، انجام گرفته است. نسخه‌های خطی آن، در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد که از جمله است: ۱- نسخه کتابخانه سالتیکوف شچدرین، در شهر سن پترزبورگ روسیه، مورخ سال ۷۴۰ ق، به خط نسخ احمد بن احمد مسلمی قزوینی، به شماره «۲۷۴». این نسخه نیز، از نسخه‌های موقوفه مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی است؛ ۲- نسخه کتابخانه

اواخر سده چهارم ق که اصلاح آن، به وسیله کاتب و دبیر شیوا، سعدالدین و راوینی<sup>۱</sup>، در اوایل سده هفتم ق، انجام گرفته است.

۳۵. عین الزمان حسن بن علی بن محمد بن ابراهیم بن احمد ابوعلی قطان مروزی<sup>۲</sup> (۴۶۵-۵۴۸ ق / ۱۰۷۳-۱۱۵۳ م)، حکیم، پزشک، مهندس، ستاره‌شناس، ادیب لغوی و مؤلف کتاب گیهان شناخت که موضوع همین گزارش است.

→ موزه بریتانیا، در لندن، مورخ سال ۷۶۲ ق، در شیراز، به شماره «۶۴۷۶. OR»؛ ۳- نسخه دیگر همانجا، مورخ سده دهم ق؛ ۴- نسخه دیگری در همانجا، مورخ ۱۲۷۷ ق؛ ۵- نسخه کتابخانه ملی پاریس، مورخ سال ۱۰۷۵ ق، به شماره «۱۳۷۱»؛ ۶- نسخه دیگر همانجا، مورخ سال ۸۳۳ ق؛ ۷- نسخه کتابخانه شخصی مرحوم حاج سید نصرالله تقوی که پس از درگذشت وی، به کتابخانه مجلس شورای ملی سابق، منتقل شده است. مرزبان‌نامه، تاکنون به ترکی و عربی نیز، ترجمه شده است. یک نسخه ترجمه عربی، در کتابخانه ملی پاریس موجود است که گمان می‌رود از شهاب‌الدین احمد بن محمد بن عربشاه (م ۸۵۴ ق)، مؤلف کتاب فاکه الخلفاء و مفاکه الظرفاء باشد. این نسخه، در سال ۱۲۷۸ ق، با چاپ سنگی، به تصحیح سید محمد بن عبدالله بن عبدالواحد میرحسینی حنفی خلوتی رشیدی، به سرمایه وی و سید عبدالهادی نجایاری، در قاهره مصر، چاپ شده است و دارای تصاویر می‌باشد.

کتاب مرزبان‌نامه، تاکنون چند نوبت به چاپ رسیده که برخی از آن‌ها بدین قرارند:

- ۱- چاپ سال ۱۳۱۷ ش، در تهران، به تصحیح و تحشیه علامه محمد قزوینی، در چاپخانه رنگین که بر اساس نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، مورخ ۷۶۲ ق، تصحیح شده است.
  - ۲- چاپ سال ۱۳۵۸ ق، به تصحیح مرحوم علامه قزوینی، در تهران، به وسیله انتشارات فروغی.
  - ۳- چاپ سال ۱۳۲۷ ق / ۱۹۰۹ م، در شهر لیدن هلند، از انتشارات مؤسسه بریل، به تصحیح مرحوم علامه قزوینی.
  - ۴- چاپ سال ۱۳۳۷ ش، در تهران، به تصحیح مرحوم علامه قزوینی و مرحوم حاج سید نصرالله تقوی، به وسیله انتشارات بارانی.
  - ۵- چاپ افسست سال ۱۳۵۲ ش، از روی نسخه چاپ بریل هلند که به ضمیمه رساله ترجمان عن کتاب المرزبان، به فارسی، تألیف مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد علی دزفولی، از سوی انتشارات صدر، در تهران چاپ شده است.
  - ۶- چاپ سال ۱۳۴۵ ش، به تصحیح و تحشیه مرحوم فروغی، در تهران، در قطع جیبی، از انتشارات فراهانی (ترجمه عربی مرزبان‌نامه).
۱. «وراوی» بدون نون، به گفته یاقوت، در معجم البلدان، محلی در کوه‌های آذربایجان، مابین اردبیل و تبریز است.
۲. لغت نامه، دهخدا، ذیل «حسن قطان»، ص ۶۰۱.

## زیست‌نامه قطان مروزی

در کلیه منابع و مآخذی که شرح حال قطان مروزی را آورده‌اند، به همین شکل، که یاد شد، نام و نسب وی بیان شده است؛ جز ذهبی که نام جدّ وی را «حسن» نوشته و او را چنین معرفی کرده است: «ابوعلی حسن بن علی بن حسن بن محمد بخاری مروزی قطان طیب»<sup>۱</sup>.

رشیدالدین وطواط و ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید بیهقی «ابن فندق»، از معاصران قطان مروزی که هر دو در ۵۶۵ قمری یعنی هفده سال پس از مرگ قطان، در گذشته‌اند، نخستین کسانی بوده‌اند که در آثارشان از او نام برده و یا وی را معرفی کرده‌اند و سپس یاقوت حموی (م ۶۲۷ ق)، و ذهبی (م ۷۴۸ ق) و صفدی (م ۷۶۴ ق)، که به پیروی از ابن فندق بیهقی، شرح حال مختصری از او ارائه نموده‌اند که به این شرح است: نیاکان وی از مردم بخارا بوده‌اند و به همین دلیل ذهبی او را بخاری خوانده است؛ اما خود او در مرو، و در ۴۶۵ قمری، دیده به جهان گشوده است و در همان جا نیز، پرورش یافته و گویا از مرو بیرون نرفته، و پیوسته در همانجا زیسته است.

از استادان وی نیز، اطلاع دقیقی نداریم؛ جز اینکه ابن فندق بیهقی نوشته است که او از شاگردان ابوالعباس لوکری بوده<sup>۲</sup> و ذهبی چنین آورده که وی کتاب فضائل القرآن را از ابوالقاسم عبدالله بن علی طریثی<sup>۳</sup> و نیز از ابوالقاسم عبدالله بن محمد بن علی قرشی<sup>۴</sup>، آموخته است.

او به گفته یاقوت، در آغاز عمر خویش به تحصیل فقه و حدیث پرداخت؛ اما پس از چندی این علوم را رها ساخت و به فراگرفتن رشته‌های دیگر، روی آورد و با این حال باز در دوران کهن سالی، به سماع حدیث اشتغال ورزید و به رغبت داشتن به علوم شرعی تظاهر می‌کرد و عقیده باطنی او را جز خدا کسی دیگر ندانست.<sup>۵</sup>

۱. تاریخ الاسلام (حوادث و وفیات ۵۴۱-۵۵۰ ق)، ص ۳۰۱.

۲. تنمة صوان الحکمة (تاریخ حکماء الاسلام)، ص ۱۵۶.

۳. تاریخ الاسلام ذهبی، همانجا.

۴. الوافی بالوفیات، ۱۴۰/۱۲.

۵. بغیة الوعاة سیوطی، ۵۱۳/۱، به نقل از یاقوت حموی.

صفدی این موضوع را چنین نوشته است که وی، در کهن سالی به استماع حدیث و اشتغال به آن پرداخت و فراگرفته‌های حدیثی خود را نزد محدثان و آشنایان به حدیث که غریب بودند و پنهانی وارد مرو می‌شدند، تصحیح می‌نمود و این تظاهری بود به رغبت وی به علوم شرعی.<sup>۱</sup> بیش از این از استادان و دانش‌اندوزی وی اطلاعی نداریم؛ اما همگان به فضل او و دانش گسترده‌اش به علومی همچون: پزشکی، نجوم، لغت، ادب و فلسفه اعتراف نموده‌اند و او را شیخی فاضل، بزرگ و محترم دانسته‌اند که به علوم اوایل (فلسفه و حکمت) علاقه و تمایل شدیدی داشت و مذهب فکری آنان را تأیید می‌نمود و چون آگاهی و چیرگی خاصی در پزشکی داشت، به «طیب» شهرت یافت.<sup>۲</sup>

ابن فندق بیهقی، در صفحات آغازین کتاب لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب، در فصلی که به ذکر تبارشناسانی که درباره این علم در شهرها کتاب نوشته‌اند، از قطان مروزی نام برده و او را جزو ثقات به شمار آورده است و در جای دیگر از این کتاب، آنگاه که از میر سید شمس‌الدین شرف الاسلام ابوالحسن علی بن سیدتقی بن مطهر بن حسن حسنی نام می‌برد، نوشته است که مدیون کتاب‌های شمس‌الدین و خود او در علم نسب است؛ زیرا پس از فتنه‌ای که منجر به غارت و از میان رفتن کتاب‌های علم انساب در نیشابور شد، منبعی نیافته که از آن‌ها جهت تألیف کتاب خود بهره گیرد، جز کتاب‌های شمس‌الدین که از دستبرد نجات یافته بودند. سپس می‌افزاید که شمس‌الدین با امام حسن بن محمد بن علی بن ابراهیم قطان طیب، مصنف کتاب الدوحه (در علم نسب آل ابی‌طالب) در مرو آمد و شد داشته و گویا از وی استفاده می‌کرده است.<sup>۳</sup>

از شاگردان وی نیز، آگاهی نداریم و چنانچه فرض کنیم شمس‌الدین حسنی، یکی از شاگردان او بوده، دومین کسی را که برخی از منابع به عنوان شاگرد او نام برده‌اند، عبدالرحیم بن سمعانی بوده است.<sup>۴</sup>

۱. الوافی بالوفیات، ۱۴۰/۱۲.

۲. تنمة صوان الحکمة، ص ۱۵۶ - ۱۵۷؛ لباب الانساب، ۱/۱۸۵، ۳۳۲؛ تاریخ الاسلام (ذهبی) همانجا؛ الوافی بالوفیات، همانجا؛ بغیة الوعاة، ۱/۵۱۳.

۳. لباب الانساب، ۱/۳۳۲.

۴. تاریخ الاسلام ذهبی، همانجا.

قطان مروزی، در مرو دکانی داشت که در آنجا به طبابت و مداوای بیماران، می‌پراخت؛ ولی به علت سوء خلق، مردم را می‌آزرد و کسانی را که از او در مورد مداوای خویش پرسش می‌نمودند؛ دشنام می‌داد و بیشتر معالجات و درمانهای وی به شکل کاستن از غذای بیماران بود و چه بسا اتفاق می‌افتاد که بیماران را تا مدتی، از صرف غذاهای دارویی و حتی از خوردن غذا منع می‌نمود.<sup>۱</sup>

یکی از حوادث مشهور زندگانی او، غارت رفتن کتاب‌ها و نامه‌نگاریهایش با رشیدالدین و طواط می‌باشد که تفصیل آن به این شرح است:

در سال ۵۳۶ قمری، هنگامی که سلطان سنجر، در جنگ قطوان از قراختائیان شکست خورد و کار مملکت او نابسامان شد، اتسر خوارزمشاه، فرصت را غنیمت شمرد و بر خراسان تاخت و در آن میان سپاهیان وی به مرو حمله کردند و به قتل و غارت پرداختند. در آن حادثه تأسفبار، گروهی از اوباش شهر با سپاهیان خوارزم، همدست شدند و به غارت و چپاول اموال مردم و قتل بی‌گناهان پرداختند. حسن قطان نظر به سابقه‌آشنایی و دوستی با رشیدالدین و طواط که در اردوی خوارزمشاه بود، به او متوسل شد تا کتابخانه‌اش را از دستبرد و غارت نجات دهد و آن را به اردوگاه حمل نماید و به این وسیله از نابودی نسخه‌های نفیس کتابخانه‌اش جلوگیری نماید؛ اما رشیدالدین و طواط، موفق به این کار نمی‌شود و کتابخانه قطان به یغما می‌رود و او به تصور اینکه و طواط در غارت و به یغما رفتن کتابخانه‌اش دست داشته، و طواط را متهم ساخت که غارت کتاب‌هایش به اشاره او بوده و از سرسوز و ناراحتی، در محافل و مجالس، زبان به بدگویی رشید می‌گشاید و نام و طواط را به زشتی می‌برد و میان آنان در این مورد مراسلات و مکاتباتی صورت می‌پذیرد<sup>۲</sup> که متأسفانه نامه‌های قطان به رشید، اکنون موجود نیست؛ ولی از نامه‌هایی که و طواط به قطان نوشته، اکنون چهارنامه باقی مانده است که در مجموعه رسائل عربی و طواط، به چاپ رسیده<sup>۳</sup> و یکی از آن نامه‌ها را عظاملک جوینی، در تاریخ خویش آورده است.<sup>۴</sup>

۱. الوافی بالوفیات، همانجا؛ مجله شرق، دوره اول (۱۳۱۰ ش)، ۵۳۲/۹، به قلم عباس اقبال.

۲. تاریخ جهانگشای جوینی، ۵/۲ - ۶.

۳. مجموعه رسائل و طواط، ص ۱۸ - ۲۷.

۴. تاریخ جهانگشای، ۶/۲ - ۷.

از نامه‌ها و پاسخهای رشیدالدین وطواط که به قطان نوشته، می‌توان دریافت که تا چه اندازه، نامه‌های قطان، به رشیدالدین، نیش‌دار، تند و سرشار از دشنام و پرخاش بوده است. رشیدالدین برای رفع بهتان و دفع تهمت‌هایی که از سوی قطان، متوجه او شده، به حسن قطان نامه‌ای محترمانه می‌نویسد و اشاره می‌کند، از کسانی که به خوارزم آمده‌اند، شنیده است که سرور من در محافل و مجالس، به بدگویی و دشنام من می‌پردازد، سپس می‌افزاید که این روش شایسته شخصیتی چون شما نیست و از انصاف به دور است و بعد سوگند یاد می‌کند که در آن حادثه هیچ نقشی نداشته است و در پایان نامه می‌افزاید که خداوند از راه حلال به او نزدیک به هزار جلد کتاب نفیس ارزانی داشته است و او تمامی آن‌ها را به کتابخانه‌های بلاد اسلام وقف نموده، تا مسلمانان از آن‌ها استفاده برند و کسی که چنین عقیده و عملی دارد، چگونه به خود اجازه می‌دهد که کتابخانه‌امامی از شیوخ علم را که تمامی عمر خویش را انفاق کرده تا اوراق و کتاب‌های اندکی را فراهم آورد که اگر آن‌ها را در بازار به فروش رسانند، با پول آن نمی‌توان غذای اندکی را فراهم ساخت، چپاول کند و یا دستور چنین کاری را بدهد؟!<sup>۱</sup> قطان در پاسخ وطواط نامه‌ای می‌نویسد و از پاسخی که وطواط به او داده، می‌توان به خوبی دریافت که قطان این بار هم قانع نشده و در آن نامه دیگر بار و طواط را به غارت کتاب‌های خود متهم ساخته و به ناسزاگویی وی پرداخته است. وطواط در این نامه، ضمن اینکه به قطان حق داده است که از این حادثه ناراحت و خشمگین باشد، زیرا وی مسلوب و مغلوب بوده و این واقعه، آثار ناگواری بر او گذاشته و قلبش را جریحه‌دار نموده و این بسیار طبیعی است که طالب خون، به دامن هر سواره و پیاده‌ای بیاویزد و مال‌باخته، هر ایستاده و نشسته‌ای را متهم سازد؛ اما سرور من زیان دیده‌اند و من سوگند یاد می‌کنم که در این وقایع و حوادث کوچک‌ترین نقشی نداشته‌ام. سپس می‌افزاید که بنابه درخواست و اشاره آن امام کریم، روزی به منزل وی رفته تا کتاب‌هایش را به اردوگاه حمل کند؛ اما چون وارد منزل شده، در پیش روی خود کتابخانه‌ای بزرگ و کتاب‌های انبوه دیده که از حد و اندازه تصور بیرون بوده

۱. مجموعه رسائل وطواط، ص ۱۸.

است و حمل آن‌ها به اردوگاه کاری بس مشکل! از این رو آن‌ها را به حال خود رها کرده و با دست خالی آنجا را ترک نموده است. بعد در پایان نامه سوگندهای غلیظ و شدیدی یاد کرده که اگر او خود کتاب‌ها و اموال قطان را غصب کرده باشد و یا راضی به این امر بوده و یا خبر داشته که چه کسانی به این کار دست زده‌اند، از خداوند بری و زنش بر او حرام باشد.<sup>۱</sup>

قطان در پاسخ این نامه، بار دیگر نامه‌ای به وطواط می‌نویسد که گرچه از مضمون آن نامه اطلاعی نداریم؛ اما از پاسخ و وطواط می‌توان حدس زد که این بار نیز، قانع نشده است و به تکرار اتهامها و ناسزاها پرداخته است. وطواط در آغاز نامه سوم از اینکه قطان به او پاسخ داده، اظهار شادمانی نموده و نوشته است که وقتی نامه به من رسید، به استقبال آن نامه از جای برخاستم و با احترام نامه را گرفتم و بسیار خرسند شدم و بزرگان، اشراف، اعیان و علمای خوارزم را به منزل خویش دعوت کردم و نامه را بر آنان عرضه کردم و حتی در منزل منبری تهیه و خطیبی را فراخواندم، تا آن نامه را برای همگان با صدایی رسا و بلیغ قرائت کند و چون از من پرسیدند که این نامه از کیست و حاوی چه مطلبی است که تو را تا این حد خوشحال و مسرور ساخته؟ گفتم: نامه از امامی بزرگوار و کریم است؛ چشم روزگار مانند او را ندیده، شخصیتی است که در دانش صاحب آیات و در فضل پیشگام همگان است. سپس شمه‌ای از فضایل و مناقب آن جناب را برای همگان باز گفتم؛ اما با کمال تأسف وقتی نامه قرائت شد، دریافتم که بار دیگر همان اتهامها تکرار شده و نامه مملو از فحش و ناسزا و بدگویی است و پس از بیان شرح مفصلی از نگرانی و ناراحتی خود، وطواط در پایان نامه، چون قطان را متقاعد نمی‌دیده و از بدگویی و بی‌حرمتی، نسبت به او، دست بر نمی‌داشته، سخت بر قطان خشمگین شده و با کلماتی تند، در پاسخ قطان می‌نویسد که اگر سرور من این رویه سوء خود را ترک نماید، من حال اخلاص و مقام شاگردی را حفظ خواهم کرد و گرنه از در دیگر داخل خواهم شد و این بیت شعر را که نشانگر غایت خشم و غضب اوست، در پایان نامه برای قطان می‌نویسد:

۱. مجموعه رسائل وطواط، ص ۱۹ - ۲۱.

فَعْنَدِي لِلْعَدُوِّ وَقَايِعِ تَرِيهِ الْمَنَايَا لِإِيْنَادِي وَيَهْدَهَا<sup>۱</sup>

سرانجام امام حسن قطان از پاسخهای وطواط متقاعد می‌شود که وی در به غارت رفتن کتاب‌ها و اموال وی دستی نداشته و به وطواط، نامه‌ای حاکی از رضایت خود می‌نویسد. گرچه اصل این نامه نیز در اختیار نیست؛ اما از پاسخ وطواط، در چهارمین نامه، می‌توان به خوبی دریافت که قطان از اتهامات خود دست برداشته و از دشنام و بدگویی وطواط دست کشیده است. رشیدالدین از حسن عاقبت کار خشنود شده و از درشتیهایی که در نامه‌های سابق خود، در پاسخ قطان نوشته، عذرخواهی نموده است و بدین ترتیب غائله میان قطان و رشید وطواط، خاتمه یافت. وطواط در نامه آخر خود به تعریف و تمجید از قطان پرداخته و آغاز نامه را با این ابیات آراسته است:

اِخْوَالِ الْعَلِيِّ الْحَسَنِ الْقَطَانَ ذُو شَرَفٍ جِيرَانِهِ لِلنَّجْمِ الزَّهْرِ جِيرَانِ  
أَنْيَ لَا غِبَطَ قَوْمًا مَقْبَلِينَ هُمْ لَخِطَّةِ الْحَسَنِ الْقَطَانَ قَطَانَ

سپس از اینکه قطان، در نامه خود او را بخشیده و با کلمات و جمله‌هایی که در نامه خود نوشته، او را نواخته و اظهار رضایت و سرور و شادمانی نموده و از اسائه ادبی که روا داشته، عذر خواسته است.<sup>۲</sup>

نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است آنکه، سیوطی در بغية الوعاة،<sup>۳</sup> شمه‌ای از شرح حال قطان را، از معجم الادباء یا قوت حموی نقل کرده است که متأسفانه آن مطالب در نسخه چاپی موجود معجم الادباء یا قوت، وجود ندارد و گویا نسخه‌ای که در اختیار سیوطی بوده، غیر از نسخه‌ای است که اکنون در دسترس است.

شاید سیوطی شرح حال وی را از یکی از مجلدات مفقوده معجم الادباء یا قوت نقل کرده است؛<sup>۴</sup> ولی علامه قزوینی، در پاسخ نامه‌ای نوشته است: «...ترجمه حال حسن قطان در بغية الوعاة سیوطی، به نقل از یا قوت مسطور است؛ ولی این فقره در مجلدات مفقوده معجم الادباء، چنانکه سرکار خیال فرموده‌اید، نبوده است؛ زیرا که حسن قطان،

۱. مجموعه رسائل وطواط، ص ۲۱-۲۵.

۲. همان، ص ۲۶-۲۷.

۳. بغية الوعاة، ۵۱۳/۱.

۴. مجلة شرق، دوره اول (۱۳۱۰ ش)، شماره ۹/۵۳۱.



نام و نسبش، حسن بن علی بن محمد است و در جلد سوم معجم الادباء، جمیع کسانی که نامشان حسن بن علی است، مسطور است. خواهید فرمود که پس سیوطی از کدام مجلد معجم الادباء، ترجمه حال حسن قطان را ذکر کرده است؟ در جواب عرض می‌کنم که ترجمه حال حسن بن قطان در همین جلد سوم معجم الادباء که چاپ شده، مسطور بوده است و هنوز نیز، قسمت دوم این ترجمه حال، در همان مجلد سوم مذکور است، بتفصیل ذیل:

چنانکه از مطالعه اجمالی این جلد سوم شاید استنباط کرده باشید، این جلد سقطها و بیاضهای بسیار دارد، یعنی در اصل نسخه منقول عنها، بسیار سقطها و بیاضها بوده است که در بعضی مواضع جای سقط معلوم بوده است، ولی در بعضی مواضع جای سقط اصلاً و ابداً معلوم نبوده و کلام لاحق را به کلام سابق، ناسخ چسبانیده بوده است که ابداً ربطی مابین آنها موجود نبوده است و شاید مبلغ عظیمی مابین عبارتین افتاده بوده است؛ از قبیل قسم اخیر است، ترجمه حال «الحسن بن علی الاسکافی» که ترجمه حال او، در جلد سوم معجم الادباء، از ص ۱۶۴ الی ص ۱۷۹ ممتد است و حال آنکه از ص ۱۶۹ از سطر دوازده از عبارتی که ابتدایش این است: «و کنت عندکونی بمرور عرضی علی شیخنا...السمعانی جزءاً یشتمل علی رسائل للحسن القطان الی الرشیدالوطواط...» تا آخر ص ۱۷۹، جمیعاً راجع به ترجمه حال حسن قطان است و ابداً و اصلاً و بوجه من الوجوه، ربط به ترجمه حال حسن بن علی اسکافی، صاحب عنوان ندارد و از اندک تعمقی معلوم می‌شود که قبل از عبارت مذکور در ص ۱۶۹، یعنی قبل: «و کنت عندکونی به مرو...» مبلغ عظیمی از آخر ترجمه اسکافی و اوایل ترجمه حال حسن قطان سقط شده است و آن قسمتی را که سیوطی در بغیة الوعاة از یاقوت نقل کرده است، قطعاً و بالبداهه از همین قسمت ساقطه ترجمه حسن قطان است و قسمت اخیر آن ترجمه حال که باقی مانده است، چنانکه ملاحظه خواهید فرمود، فقط عبارت است از نقل چند مکتوبی که مابین حسن قطان و رشیدوطواط مبادله شده بوده است...».

سپس در ادامه این نامه، به تصحیح اشتباه محقق معجم الادباء، یعنی مارگلیوث، در ص ۱۶۴، بعد از عنوان «الحسن بن علی الاسکافی» پرداخته که در حاشیه نوشته است: «یظهر مما یجئ انه المعروف «بالحسن القطان»» به عبارت دیگر مارگلیوث، خیال کرده که

تمام ترجمه‌های حسن اسکافی، در حقیقت ترجمه‌های حسن قطان است و این اشتباهی واضح است. به هر حال آنچه فعلاً از شرح حال حسن قطان در معجم الادباء موجود است، همان نامه‌های رشیدالدین وطواط به قطان است که در مجموعه‌ی رسائل خود وطواط نیز، آمده است...»<sup>۱</sup>. مصطفی جواد نیز، همین مطلب را تأیید کرده است.<sup>۲</sup>

حادثه تلخ دیگری که برای قطان مروزی پیش آمده، دستگیری توسط ترکان غز و مرگ اوست که در بیشتر منابع آن را ذکر کرده‌اند و شرح تفصیلی آن از این قرار است: در حادثه هجوم غزان به خراسان در سال ۵۴۸ قمری و استیلای آنان بر خراسان بزرگ، حسن قطان نیز، جزو کسانی بود که به دست ترکان غز اسیر گردید و در حال اسارت، آنان را با دشنامها و ناسزاهای سخت آزرده و آن دیوسیرتان آدم‌کش، چندان خاک در دهان او ریختند، تا سرانجام در نیمه رجب همان سال جان باخت.<sup>۳</sup>

در منابعی که شرح حال وی را آورده‌اند، هیچ اشاره‌ای به مذهب و اعتقادات او نشده است؛ اما آقابزرگ تهرانی، به دو دلیل او را در شمار علمای شیعه آورده است. نخست پنهان کاری در امر استماع حدیث و دیگری نوشتن کتاب نسب ابی طالب که همان کتاب دوحه الشرف فی نسب ابی طالب است.<sup>۴</sup>

در تأیید این نظریه می‌توان به اشعاری که صفدی از وی در مورد آل ابی طالب و طالبیان سروده نیز، استناد کرد و به تمایلات شیعی‌گرانه وی پی برد و آن اشعار به این شرح است:

حد اني لحصر الطالبیین حُبُّهم	و شدّ الی مرقي عَلام تشوّفي
ففيهم ذراري النَّبيِّ مُحَمَّد	فهم خير اخلاف تلوا خير مخلف
مضى بعد تبليغ الرسالات موصياً	باكرام ذي القربى واعظام مصحف
و مارام أجراً غير وُدِّ اقارب	و اهوان به اجراً فهل من به يفي <sup>۵</sup>

۱. معجم الادباء، یاقوت حموی، ۹۵/۹ - ۱۱۷.

۲. فی التراث العربی، مصطفی جواد، ص ۱۴۵.

۳. طبقات اعلام الشيعة (قرن السادس)، ص ۶۵؛ فرهنگ ادبیات فارسی، ص ۳۹۸.

۴. همان.

۵. الوافی بالوفیات، ۱۴۱/۱۲.

که به خوبی نشانگر دوستی و علاقه‌مندی شدید وی به اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. چنانکه از عبارت پایانی نسخه موجود گیهان شناخت: «الحمد لله حق حمده و صلی الله علی محمد و آله»<sup>۱</sup> نیز، چنانچه از خود وی باشد، می‌توان حدس زد که کلمه «وآله» اختصاص به شیعه دارد و معمولاً اهل سنت همراه کلمه «وآله» کلمه «وصحبه» نیز، می‌آورند. اضافه بر این آمد و شد ابوالحسن علی بن تقی بن مطهر بن حسن حسنی شمس‌الدین شرف الاسلام نسابه با وی که احتمالاً شاگرد قطان بوده و از وی علم نسب را آموخته نیز، خود مؤید شیعه بودن قطان است.<sup>۲</sup>

ابن فندق بیهقی، چند سخن حکمت‌آمیز، از ابوعلی قطان مروزی نقل کرده که عبارت‌اند از:

مادر فضایل نفسانی حکمت، دایه آن مزاج معتدل، پدرش استعداد کامل و فرزند و ثمره و نتیجه آن خوشبختی و سعادت عظمی است.

و گوید: ریا پست‌ترین اعمال و احتمال پاک‌ترین سیره و شیوه است.<sup>۳</sup>

### آثار و تألیفات:

بیهقی درباره او نوشته است که قطان مروزی طبع شعر داشت و دارای تصانیفی است و سپس به ذکر آثار و تألیفات وی پرداخته است.<sup>۴</sup> شمس‌الدین رازی گوید: امام حسن قطان یکی از ائمه خراسان بوده و مختصری در علم عروض ساخته و اوزان دوبیتی را بر دو شجره نهاده است.<sup>۵</sup>

صفدی اظهار داشته که قطان مروزی در هر یک از علوم اسلامی توانایی و صاحب اثر بود. او از تمامی دانشهای زمان خویش بهره گرفته و از آن آگاهی داشت و کتابخانه‌ای در مدرسه خاتونیه مرو تشکیل داده بود و خود بر آن نظارت داشت

۱. گیهان شناخت، نسخه کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، به شماره «۸۴۹۴»، برگ پایانی.

۲. لباب الانساب، ۳۳۲/۱.

۳. تنمة صوان الحکمة، همانجا.

۴. همان، ص ۱۵۷.

۵. المعجم في معايير اشعار العجم، ص ۹۱.

و از کتاب‌هایی که خود نوشته و یا به دست آورده بود و شمار فراوانی نیز بودند، وقف آن نموده و در اختیار همگان قرار داده بود. سپس به شرح آثار وی پرداخته است.<sup>۱</sup> سیوطی به نقل از یاقوت نوشته که آثار و تألیفات وی در میان مردم مرو مشهور بوده و جایگاهی بلند در میان اهالی مرو داشته است.<sup>۲</sup> آثار و تألیفاتی که در منابع و مآخذ به او نسبت داده‌اند به این شرح است:

۱. دوحه الشرف فی نسب ابی طالب که در برخی از منابع به اختصار الدوحه، خوانده شده و در هشت مجلد بوده است. چنانکه از نام آن آشکار می‌باشد، در علم انساب و تبارشناسی است. از این کتاب اکنون اطلاعی نداریم؛ اما تعدادی از تبارشناسان، از این کتاب، در آثار خویش یاد کرده و مطالبی از آن نقل نموده‌اند، همچون: اسماعیل بن حسین مروزی از ورقانی (م پس از ۶۱۴ ق) که در چند مورد از کتاب الدوحه استفاده کرده است؛<sup>۳</sup> دیگری فخرالدین رازی است که از کتاب قطان استفاده نموده است؛<sup>۴</sup> ابوالحسن علی بن ابوالقاسم بیهقی «ابن فندق» (م ۵۶۵ ق) نیز گویا از این کتاب بهره برده و در آغاز کتاب خویش به ذکر علمای نسب که در شهرهای مختلف اقدام به نوشتن کتابی در علم انساب کرده‌اند، پرداخته و از آن میان از قطان مروزی و کتاب وی نام برده است.<sup>۵</sup>

۲. رساله سارحة الرموز و فاتحة الكوز.

۳. سبائك الذهب.

۴. رساله مشجر در انساب.

۵. العروض مشجر<sup>۶</sup> گویا همان کتابی است که شمس‌الدین محمد بن قیس رازی، از آن استفاده کرده و نوشته است که قطان مروزی، نخستین کسی است که دو شجرهٔ اُخرب

۱. الوافی بالوفیات، ۱۴۱/۱۲.

۲. بغية الوعاة، ۵۱۳/۱.

۳. الفخري، ص ۵۴، ۱۲۸، ۲۴۷، ۲۴۸، از انتشارات کتابخانهٔ بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته، چاپ نخست.

۴. الشجرة المباركة، ص ۳۸، ۱۰۹، نیز از انتشارات این کتابخانه، چاپ نخست.

۵. لباب الانساب، ۱۸۷/۱، ۳۳۲، از انتشارات این کتابخانه.

۶. الوافی بالوفیات، ۱۴۱/۱۲.

و آخرم را برای تسهیل اوزان ۲۴ گانه رباعی استخراج کرده است و مختصری در علم عروض ساخته است و اوزان دوبیتی را بر دو شجره نهاده و من در کتاب خود، همان صورت نقش کردم و بر هر نوع مصراع‌ی شعر نوشت و از احیاف هر یک باز نمود، تا به فهم نزدیک‌تر باشد و مبتدی بر کیفیت انشعاب آن زودتر واقف شود و صورت آن دو شجره، این است که بر این دو صفحه است والله اعلم.<sup>۱</sup>

۶. رسائل في الطب.<sup>۲</sup>

همان‌گونه که پیشتر یادآور شدیم، از آثار یاد شده، اکنون هیچ اطلاعی نداریم و دانسته نیست که آیا از این آثار نسخه‌ای موجود است، یا اینکه تمامی آن‌ها از میان رفته‌اند. مهمترین اثر و شناخته‌ترین کتاب وی گیهان شناخت است که صفدی نوشته، من آن را دیده‌ام و در فن خود کتابی است، بسیار ارزشمند و خوب.<sup>۳</sup> خوشبختانه اکنون، تنها نسخه کهن آن موجود است و موضوع همین گزارش می‌باشد که قصد داریم به معرفی آن پردازیم. نکات و مطالبی که باید در مورد این کتاب بیان داشت به این شرح است:

#### ۱. نام و عنوان:

در نام اصلی کتاب، اختلاف است برخی آن را: گیهان سیاحت و یا گیهان سیاحت خوانده‌اند.<sup>۴</sup> در مورد نخستین عنوان، علامه قزوینی نوشته است با کاف عربی و گاف فارسی، هر دو صحیح است علی ما فی البرهان.<sup>۵</sup> همچنین در مورد کلمه «سیاحت»، علامه قزوینی نوشته است که: «...منتهی به اسم گیهان سیاحت ( کذا!) که مسبب از سهو نساخ است، بدون هیچ شکلی...».<sup>۶</sup>

بنابراین نام صحیح کتاب همان: «گیهان شناخت» یا «گیهان شناخت» است که بیشتر مآخذ به آن تصریح کرده‌اند.

۱. المعجم في معايير اشعار العجم، ص ۹۱.

۲. تنمة صوان الحکمة، ص ۱۵۷.

۳. الوافي بالوفيات، همانجا.

۴. تنمة صوان الحکمة، همانجا؛ الاعلام زرکلی، ۲۰۲/۲.

۵. برهان قاطع، ۱۷۶۱/۳، ۱۸۷۲؛ یادداشت‌های قزوینی، ۵- ۲۸۹/۶؛ فرهنگ فارسی معین، ۳۱۱۶/۳ و ۳۵۱۵.

۶. بیست مقاله قزوینی، ۱ و ۳۵۸/۲؛ مجله شرق، دوره اول (۱۳۰۹-۱۳۱۰ ش)، ۶۰۵/۹.

## ۲. مؤلف گیهان شناخت:

مرحوم سید جلال الدین تهرانی، ذیل شرح حال «حسن قطان مروزی» در گاهنامه، نوشته است که: «ما از او کتابی در هیئت و نجوم سراغ نداشتیم، تا آنکه از کتابخانه مرحوم حاج شیخ فضل الله مجتهد نوری، کتابی به نام کتاب گیهان شناخت، آقای آقاصیاءالدین، نجل آن مرحوم بیرون آوردند<sup>۱</sup> و برای پیدا کردن مؤلف آن را در کتابخانه مجلس در دسترس اهل فضل گذاردند، مؤلف معلوم نشد؛ ولی تاریخ تألیف و مکان تألیف آن را اینجانب یافتیم. چه در تعیین اوجات کواکب می‌نویسد که به سال ۴۹۸ قمری، قبله مرو را نیز، تعیین کرده و این عادتی بود میان قدمای هر یک در کتب هیئت و نجوم، قبله شهر خود را تعیین می‌نمودند. ما دانستیم که این کتاب در سال ۴۹۸ تا ۵۰۰ قمری، تألیف شده و در مرو نیز، تألیف گردیده؛ ولی مؤلف معلوم نبود، تا آنکه از کتابخانه آستانه مقدسه، کتابی به نام *تمه صوان الحکمة*، تألیف ابوالحسن بیهقی بیرون آوردند و در تهران به آقای سید محمد مشکوة بیرجندی که مردی فاضل است، برای تصحیح و نوشتن برخی حواشی دادند؛ در آن کتاب، تحت عنوان «حسن قطان مروزی» می‌نویسد: مؤلف کتاب گیهان شناخت فارسی در هیئت. آقای آقامیرزا طاهر تنکابنی، مدرس حکمت الهی که کتاب گیهان شناخت را دیده بودند، چون *تمه صوان الحکمة* را نیز می‌خوانند، متوجه می‌شوند که امام حسن قطان مروزی، صاحب گیهان شناخت است و ایشان تذکر موضوع دادند. پس امام حسن قطان مروزی، مؤلف کتاب گیهان شناخت و کتاب دیگری است که به نام *اختر شناخت* تألیف کرده و در گیهان شناخت، بدان اشاره کرده است»<sup>۲</sup>.

مرحوم عباس اقبال آشتیانی نیز، در این مورد نوشته است: «اگر چه در متن کتاب گیهان شناخت، هیچ جا اسم مؤلف برده نشده؛ ولی از اشاره بیهقی و مشهور نبودن کتابی به این عنوان، در علم هیئت، به اسم دیگری، می‌توان به ظن قوی گفت که این نسخه گیهان شناخت، همان کتابی است که بیهقی تألیف آن را به امام حسن

۱. این نسخه، همان تنها نسخه موجود از کتاب گیهان شناخت است که به کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی

مرعشی نجفی رحمته الله منتقل شده است.

۲. گاهنامه ۱۳۱۱ ش، ص ۱۳۲-۱۳۳.

قطان منسوب می‌دارد، به خصوص که مؤلف نسخه حاضر، در آن سمت قبله شهر مرو را که موطن و مقر قطان مروزی است، تعیین می‌کند و تألیف آن نیز، در بین سنوات ۴۹۸ تا ۵۰۰ قمری است؛ یعنی در اواسط عمر امام حسن قطان و بسیار بعید است که در یک عصر و زمان، دو نفر در یک شهر، در باب یک علم، دو کتاب به یک اسم تألیف کنند.<sup>۱</sup>

علامه قزوینی نیز، در مورد انتساب کتاب گیهان شناخت، به قطان مروزی، در نامه‌ای در تأیید نظر اقبال آشتیانی، چنین نوشته است: «اکتشاف بسیار - بسیار مهمی فرموده‌اید که در تتمه صوان الحکمة، یافته‌اید که مؤلف گیهان شناخت، امام حسن قطان بوده است، چندی قبل آقای آقاضیاء‌الدین نوری، از بنده در خصوص مؤلف کتاب مزبور استفسار فرموده بودند و من با فحص بلیغ در جمیع فهارس جمیع مکاتب اروپا که به آن‌ها دسترسی داشتم، ذکر و نامی و نشانی، نه از گیهان شناخت و نه از مؤلف آن نتوانستم به دست آورم و حالا پس از قرائت مرقومه عالی و رجوع به تتمه صوان الحکمة، نسخه برلین، ورق ۸۸۹، دیدم، بله واضحاً صریحاً، تألیف کتاب مزبور را به امام حسن قطان، نسبت می‌دهد... فوق‌العاده از این اکتشاف سرکار، بنده هم خوشحال شدم و فوراً در تحت نام سرکار این فقره را در حاشیه حاجی خلیفه و در ورقه علیحده یادداشت کردم که یادم نرود».<sup>۲</sup>

غیر از بیهقی در تتمه صوان الحکمة و سیوطی در بغیة‌الوعاء به نقل از معجم‌الادباء یاقوت حموی، صفدی نیز، در شرح حال قطان مروزی، کتاب گیهان شناخت را از آثار وی معرفی کرده است<sup>۳</sup> و در منابع متاخر نیز، یکی از آثار قطان مروزی را، همین کتاب دانسته‌اند.<sup>۴</sup> بنابراین انتساب کتاب گیهان شناخت و نسخه موجود آن به وی قطعی است و جای شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند.

۱. مجله شرق، دوره اول (شهریور ۱۳۱۰)، ۵۳۳/۹-۵۳۴.

۲. همان، دوره اول (۱۳۰۹-۱۳۱۰ ش)، ۶۰۵/۹.

۳. الوافی بالوفیات، ۱۴۱/۱۲.

۴. به عنوان نمونه نگاه کنید به: تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ۹۶۵-۹۶۷؛ گنجینه سخن، صفا، ۱۴۱/۲؛ تاریخ نظم و نثر در ایران، نفیسی، ۱۲۷/۱؛ سبک‌شناسی، ملک الشعرا، بهار، ۴۰۳/۲-۴۰۴؛ فرهنگ ادبیات فارسی، ص ۳۹۸.

### ۳. تاریخ و مکان تألیف:

براساس نوشته‌ها و استخراج‌هایی که آقای سید جلال‌الدین منجم تهرانی کرده‌اند، در نسخه موجود گیهان شناخت، در سه موضوع از کتاب، تاریخ تألیف کتاب به صورت تقریبی در فاصله سالهای ۴۹۸ تا ۵۰۰ قمری می‌باشد که به این شرح ذکر کرده‌اند که من تاریخ تألیف و مکان تألیف آن را در هنگام بیان اوجات کواکب و تعیین قبله مرو، یافته‌ام سپس به بیان این مواضع سه‌گانه پرداخته‌اند:

الف. مورد اول، در اوایل نسخه، تصریح می‌کند که: «مواضع اوجات کواکب شمس و زهره و جوزا ۲۵ درجه و ۳۹ دقیقه و ۲۳ ثانیه، به اول محرم ۴۹۸ قمری...».

ب. مورد دوم، در اواسط نسخه: «اصول الجوزهرات، زحل، اسد، ۱۷ درجه و ۵۲ دقیقه و ۳۳ ثانیه، حرکت ایشان هم، چون اوجات است، برای سال ۴۹۸ هجری...».

ج. در اواخر نسخه موجود نیز، چنین آمده است: «و به تاریخ آخر جمادی الاولی سنه خمسّمائة و در این ماه قران علویین بود در برج جدی در ۱۲ درجه و ۴۰ دقیقه و خسوف کلی گذشته بود، ماه را در آخر سرطان، در این تاریخ مذنبه عظیم بدید آمد سپید یک رنگ بر شکل کوی صنوبر مغربی در آخر برج فوت». اقبال آشتیانی، این مطلب را از سید جلال‌الدین تهرانی نقل کرده‌اند.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب روشن می‌شود که آغاز تألیف کتاب، در اواخر سال ۴۹۷ قمری بوده و در اواسط یا اواخر سال ۵۰۰ قمری، تألیف آن پایان یافته است.

در مورد مکان تألیف کتاب نیز، باید گفت که چون عادت و سیره قدما بر این بوده که هر یک از آن‌ها در کتاب‌های هیئت و نجوم، قبله شهر خود را تعیین می‌کرده‌اند، مؤلف در این کتاب نیز، جهت قبله شهر مرو را که موطن وی بوده، تعیین نموده و بدین سان روشن می‌شود که این کتاب را قطان در همان زادگاه خویش یعنی شهر مرو، نوشته است.<sup>۲</sup>

### ۴. نسخه‌های موجود:

چنانکه اشاره شد از این کتاب نسخه‌ای نفیس و بسیار کهن باقی مانده است که

۱. مجله شرق، دوره اول (شهریور ۱۳۱۰)، ۵۳۴/۹-۵۳۵.

۲. گاهنامه ۱۳۱۱، ص ۱۳۲.



براساس نوشته‌های آقا بزرگ تهرانی، سید جلال‌الدین تهرانی، علامه قزوینی، اقبال آشتیانی و احمد منزوی، در کتابخانه مرحوم شیخ شهید، شیخ فضل‌الله نوری بوده و پس از وی به فرزندش آقاضیاء‌الدین نوری رسیده و ایشان این نسخه را برای شناسایی مؤلف، به کسانی چون سید جلال‌الدین تهرانی، علامه قزوینی و تنی چند از فضیلات آن روزگار سپرده و آنان نیز به اشاره آقامیرزا طاهر تنکابنی، متوجه می‌شوند که این کتاب از آن قطان مروزی است؛<sup>۱</sup> اما مشخصات این نسخه و سایر نسخه‌های موجود بدین شرح است:

#### یک: نسخه کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله

چند سال قبل، فردی نسخه‌ای کهن و نفیس از کتاب گیهان شناخت، را برای فروش به اینجانب پیشنهاد کرد؛ با دقت بسیار آن نسخه را بررسی نمودم و آن را بسیار نفیس و ارزنده یافتم و بی‌درنگ آن را خریداری و شخصاً وقف بر کتابخانه بزرگ و عمومی مرحوم والد بزرگوارم رحمته‌الله نمودم و سرانجام با مراجعه به منابعی که گزارش این نسخه را داده بودند، دریافتم که این همان نسخه‌ای است که در کتابخانه مرحوم آیت‌الله شیخ شهید فضل‌الله نوری بوده و پس از وی، به فرزندش مرحوم آقاضیاء‌الدین نوری رسیده است و براساس اطلاع اینجانب، تنها نسخه موجود کتاب است و نسخه دیگری از آن سراغ ندارم و دیگر نسخه‌ها که در برخی کتابخانه‌های داخل کشور موجود است و بعد به آن‌ها اشاره خواهیم نمود، از روی همین نسخه کتابت و گزیده برداری شده است.

اما مشخصات نسخه کتابخانه که انگیزه این گزارش می‌باشد، چنین است: این نسخه به شماره «۸۴۹۴»، در گنجینه نسخه‌های خطی این کتابخانه به ثبت رسیده و در سه‌شنبه ۲۱ رمضان سال ۵۸۶، به خط نسخ ابراهیم بن محمد بن ابراهیم کاتب، کتابت شده، عنوان و نشانها و جداول و اشکال آن شنگرف، شامل ۱۰۲ برگ و هر برگ در پانزده سطر و هر صفحه چهارده در نوزده سانتی‌متر، جلد تیماج مشکی، بر روی برگ

۱. الذریعة، ۲۵۴/۱۸ - ۲۵۵؛ گاهنامه، ۱۳۱۱، همانجا؛ مجلة شرق، همانجا؛ بیست مقاله قزوینی، ۳۵۷/۱ و ۳۵۸/۲؛ یادداشت‌های قزوینی، ۵ و ۲۸۹/۶ - ۲۹۸؛ فهرست نسخه‌های فارسی، منزوی، ۳۴۱/۱ - ۳۴۲.

آغاز، چند تملک و نشانی خواندن کتاب دیده می‌شود که این نامها را می‌توان خواند: سعدبن سهراب قیصری، به تاریخ ربیع‌الاول ۷۲۰؛ علی بن احمد... و پشت برگ پایانی شعری است از سلطان خوارزمشاه که در هشتم ذی‌قعدة ۶۲۸ نوشته شده است. علامه قزوینی، در یادداشتهای خود راجع به این نسخه و مشخصات روی جلد و انجام آن چنین نوشته است: «کتابی است در علم هیئت، به زبان فارسی که در حدود سنه ۴۹۸، ظاهراً تألیف شده... نسخه خطی بسیار نفیس پاکیزه قدیمی، مورخه سنه ۵۸۶ است؛ کما سیجی و ملکی آقای آقاضیاءالدین نوری، پسر مرحوم آفاشیخ فضل‌الله نوری معروف مصلوب در سنه ۱۳۲۷، است که موقتاً به عنوان عاریه، نزد من فرستاده است.

در آخر کتاب گوید: "و ما پس از این در احکام سخن خواهیم گفتن. ان شاء الله و آن قسم را اختر شناختی خوانند" و از این گویا معلوم می‌شود که مؤلف، کتابی دیگر تألیف کرده بود (یا می‌خواست است تألیف نماید) در علم احکام نجوم، موسوم به: اختر شناخت... و در صفحه اخیر کتاب کاتب عبارت ذیل را رقم کرده است: "فرغ من کتبه [کذا] يوم الثلث الحادی و العشرون [کذا] من رمضان سنة ستة [کذا] و ثمانین و خمس مائة هجرية بخطه ابراهیم بن محمد بن ابراهیم الکاتب" سپس در همان صفحه، بلافاصله، به خطی الحاقی، غیر خط کاتب اصلی؛ ولی قدیم مسطور است:

«شیخ اوحد الدین فرماید:

هر دل که درو مایه تجرید کم است

بیهوده همه عمر ندیم ندم است

جز خاطر فارغ که نشاطی داده

دیگر همه هر چه هست اسباب غم است»

سپس در پشت این صفحه (یعنی در آخرین برگ نسخه) به خطی الحاقی، غیر

خط کاتب، اصل نسخه؛ ولی خطی بسیار قدیم، مسطور است:

«سلطان عالم خوارزمشاه گوید:

مـعشوقه لاله رخ... یـنـد کین حسن وی و مهر نماند جاوید

از گردش چرخ و تیر و ماه و.. یـنـد اوسبـلت سبـز کرد و من موی سپید

و کتب اذل عبادالله و اعجز خلق الله، سبعین [کذا - ظ: سبعون] و ثلثین [ظ: ثلثون] و عشر ابن واحد و ثمان [ظ: ثمانية] و اربعون و اربع [ظ: اربعة] عطرالله له و لجميع المسلمين في ما من شهر ذي قعدة [کذا] سنة ثمان عشر و ستمائة، اعلم هذا الحساب ايها القاري و صلى الله... اجمعين»، انتهى.

رباعی مذکور را در لباب الالباب، به اتسزبن قطب الدين محمد خوارزمشاه (۵۲۲-)

(۵۵۱ق) نسبت می دهد، با اندک اختلافی، با نسخه حاضره هكذا:

«آن معشوق زهره رخ همی داشت امید      کانون خوبی و این عشق بماند جاوید  
از گردش چرخ و سیر ماه و خورشید      او سبلت سبز کرد و من موی سپید»  
و بدیهی است که کلمه «آن» در مصراع اول: غلط و زیادی است و وزن را می شکند و باید بدون «آن» خواند؛ ولی با کسره مشبعة قاف «معشوق» بروزن: مفعولن فاعلی مفاعیل و فعول و همچنین واضح است که «معشوقه» در نسخه حاضره، کامر، غلط بین است و صواب «معشوق» است؛ زیرا که معشوقه بدیهی است که سبلت سبز نمی کند و نیز، واضح است که مراد کاتب عبارت مذکور از اعداد مزبوره، «علی بن احد» است و واضح است که سواد عربی چندان نداشته است...؛ ولی چیزی که انسان را قدری متأثر و متفکر می کند که کاتب این جمله که فی نفسها هیچ اندر هیچ است، این عبارت، کودکانه را در همان سال خروج مغول نوشته است و انسان بی اختیار به این فکر می افتد که آیا این نویسنده ایرانی در همین نوشتن این عبارت، در کدام نقطه و کدام قطری از اقطار بلاد ایران یا ترکستان و ماوراء النهر یا بلاد روم و عراق، آیا در کدام شهر یا قریه یا قصبه بوده است؟

و آیا آن طوفان عالمگیر مغول که تمام دنیای شرقی را غرق خاک و خون نمود، دنبال‌اش به شهر و دیار او نیز رسیده بوده یا هنوز نرسیده بوده؟ در هر صورت، بقای کتابی فارسی الی یومنا هذا با این پاکیزگی و تازگی و عدم استعمال که ۳۱ سال قبل از خروج مغول، استنساخ شده باشد و در همان سال خروج مغول، کسی تفنناً و بدون اشاره‌ای به این بلای جهان سوز آسمانی، کان لم یکن شیئاً مذکوراً، این رباعی خوارزمشاه را با این عبارت ساده لوحانه بچه گانه نوشته باشد، بسیار چیز نادری و یادگار بسیار موثری است.

چه می‌بیند که در همه این کشمکشها و قتلها و غارتها و خونریزیها، نه از غالب و نه از مغلوب، اکنون اثری و نشانی مطلقاً و اصلاً، جز همین کتاب و یک کتاب دیگر، به هیچ وجه من الوجوه باقی نمانده است. در پشت برگ آغازین این نسخه بر فراز صفحه به خط کوفی نوشته است:

«کتاب گیهان شناخت،<sup>۱</sup> الخزانة كتب الامير الاسفهسالار الاجل الكبير العالم العادل المويد المظفر المنصور حسام الدولة و الدين ركن الاسلام و المسلمین عرس الملوك و السلاطين سيد الامراء ابی الحسن علی بن عمر بن علی مال [کذا؟] طال الله بقاءه...».

در اطراف و حواشی این صفحه، امضای چهار نفر از مالکین مختلف این نسخه، در ازمنه مختلفه که غالباً محو و غیر خواناست و یکی از آنها مورخه هفتصد و چهل و اندی است (که این عقد آحادش درست خوانا نیست) و در حاشیه در طرف دست راست به خطی جلی قدیمی نوشته است: «عدد اوراق نبشته صد دویت» یعنی صد و دو است، چنانکه در شمردن اوراق واضح شد...». پایان یادداشت علامه قزوینی.<sup>۲</sup>

در آغاز نسخه حاضر چنین آمده است: «سپاس آفریدکار را کی هرج افرید درست و خوب آفرید و ستائش آن کردکار را کی هرج کرد بسند و بسندیده کرد داننده پیدان و نهان، سازنده کار هر دو جهان هرگونه چیزها افرید و دانست که از هر چیز چه اید و از هر دوئی چه زاید. آسمانها بیافرید بقدره و در میان ایشان زمین نهاد بحکمت. آسمانها بر هم نهاده و در میان زمین ایستاده. یکی را جنبش و یکی را آرام و هر دو خواست و فرمان او را رام و دروژ بر فرستادگان او کی کزیدگان و پاکان بوژند و مردم را پیرستش او راه نمودند. هرج کفتند راست کفتند و بهتری مردم جستند و دروژ خدای تعالی بر ایشان باذ و ما را از نادانی و کم راهی نگاه دارا».<sup>۳</sup>

۱. نام کتاب، در نسخه موجود، با خط کوفی درشت کتابت شده است.

۲. یادداشتهای قزوینی، ۵ و ۶/۲۹۰-۲۹۴.

۳. گیهان شناخت، برگ نخست.

و در پایان این عبارت آمده است: «و هرک این کلمها فرو نکرذ، باید که بحکم فضل مرا معذور دارذ و بهتر شمردن مشغول کردذ نه بعیب شمردن که جون درین مقدار حجم چندین سخن گفته شده باشد اکر در یک طرف آهوئی [کذا] افتاده باشد، عفو احتمال کند و تجاوزالله عن کریم سمع هذه المقالة فعمل بها، الحمد لله حق حمده و صلی الله علی محمد و آله، فرغ من کتبتہ يوم الثلث الحادی و العشرون من رمضان سنة ستة و ثمانین و خمس مائة هجرية بخطه ابراهیم بن محمد بن ابراهیم الکاتب».<sup>۱</sup>

علت تألیف این کتاب را مؤلف در آغاز کتاب، چنین بیان کرده است:

«چون کرایش مردمان به ستاره شناختی که او را علم نجوم کویند پیوسته دیدم و دلها در وی بسته دیدم و کتاب‌هایی که استاذان این دانش ساخته‌اند از بهر نوآموزان که آنها را مدخل خوانند، بسیار دیدم، لختی دراز و زیادت از آن که فهم نوآموزان دریابد و لختی کوتاه و کم از آن که بسنده باشد، این جند سخن فراز آوردم کوتاه و آسان تا جون کسی خواهد که از این هنر بهره گیرد، این مایه را آسان در تواند یافتن و نیز راه او را بکتابه‌ها درازتر اگر بخواهند و کوشیدم تا آنج یاذ کردم، سخن استاذان و دنا آنی بوذ که در سخن کزاف نیست و هیچ بدکمانی بکتابه‌ها ایشان راه نیابد؛ تا این سخنها درست و پاکیزه آید و خردمندان را بشایذ و نیرو از خدا خواهیم - عزوجل - که اوست توانا بر کمال».<sup>۲</sup>

سپس در مورد نام کتاب چنین نوشته است: «و نام این کتاب کیهان شناخت داذم؛ زیرا که هر که این کتاب بدانذ؛ شناسنده کردذ بر اشکال کیهان و روشن کردذ او را جکونکی او و اکر بیشتر خواند نیز، بهتر دانذ، زیراک از بس هر دانستی دانستن دیکریست و هرک چیزی دانذ، دیکری بوذ که بهتر از او دانذ و خداست - جل جلاله - که هیچ چیز بر او پوشیده نیست».<sup>۳</sup>

۱. همان، برگ آخر.

۲. همان، برگ نخست.

۳. همان، برگ نخست.

### موضوع و محتوای کتاب:

در مورد موضوع کتاب، مؤلف در مقدمه چنین نوشته است: «... و نهاد این کتاب جنانست که صفت هر دو جهان در او یاز کنیم. نخست آسمانها و آنج در اوست؛ از اجرام حامل و محمول و این را عالم علوی گویند. اندرین فصل، نخست حرکت کواکب کوئیم، بس حرکت آسمان از بهر خوبی این کتاب و ترتیب و آسانی دریافتن او، بس زمین و چگونگی او و این را عالم سفلی گویند، بس بکویم که شبان روز و کشت سال و روز و روزگار چگونه است؛ تا آفرینش و نهاد هر دو کیتی را دانسته آید و این ترتیب مقتبس است از نص قرآن: قال الله عزوجل: إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ<sup>۱</sup>، و خلاف را اندرین فن، راه نیست و اندرین کتاب از احکام نجوم، از قلیل و کثیر یاز نکردیم؛ از بهر آنک آن علمی است قیاسی و کمائی و این علمی است یقینی و برهانی و این هر دو را بهم آمیزش نبود»<sup>۲</sup>. این کتاب، مشتمل بر سه فصل و هر فصل به انواع متعددی تقسیم شده که به این شرح است:

#### فصل اول: در بیان عالم علوی که خود مشتمل بر نه نوع می باشد:

- نوع اول: اندر عدد فلکها و کواکب و بروج.
- نوع دوم: اندر حرکات کواکب ثابت و سیاره.
- نوع سوم: اندر اوجها و نطقهای افلاک.
- نوع چهارم: اندر فلک تدویر و خاصیتهای او.
- نوع پنجم: اندر بیان فلک هر کوبی جداگانه.
- نوع ششم: اندر جوهرها و عرضهای کواکب.
- نوع هفتم: اندر حرکت اولی مشرقی.
- نوع هشتم: اندر چهل و هشت صورت کواکب ثابت.
- نوع نهم: اندر منازل قمر بیست و هشتگانه.

۱. سوره آل عمران (۳)، ۱۹۰.

۲. گیهان شناخت، برگ نخست.

**فصل دوم:** اندر بیان عالم سفلی که خود مشتمل بر سه نوع است:

نوع اول: اندر آنکه زمین کره است.

نوع دوم: اندر مقدار زمین.

نوع سوم: اندر حوادث جو.

**فصل سوم:** اندر گذشتن روزگار که دارای چهار نوع می باشد:

نوع اول: اندر بیان روز و شب.

نوع دوم: اندر درازی روز و شب.

نوع سوم: اندر تواریخ.

نوع چهارم: اندر اجتماعات کواکب و استقبالهایشان.

**دو. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی:**

از این کتاب، نسخه‌ای به شماره «۲۰۲»، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است که در ۲۳ دیماه ۱۳۰۷ / اول شعبان ۱۳۴۷، توسط احمد فرامرزی، به خط نسخ، در ۶۷ برگ و هر برگ در ۲۶ سطر، قطع رحلی، به طول ۲۸/۵ و عرض ۱۸ سانت از روی نسخه آقاصیاءالدین نوری<sup>۱</sup> که اکنون در کتابخانه بزرگ حضرت والد علیه السلام موجود است، نوشته و گرتته برداری شده است. فیلمی از این نسخه، اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره «۲۷۱۶»، موجود است.<sup>۲</sup>

**سه. نسخه کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران:**

این نسخه در اصل مربوط به علامه قزوینی بوده است. چنانکه اشاره کردیم،

۱. فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ۱۱۲/۲ - ۱۱۴.

۲. فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۷۳/۱.

علامه قزوینی، چندی نسخه آقاصیاء‌الدین نوری را به امانت گرفته بود و در همان زمان از همسر خود «رزا» که فارسی نمی‌دانست، خواست که از روی نسخه اصل گرفته‌برداری کند، تا نمونه‌ای از نسخه اصل در دست باشد. این نسخه به خط نسخ، با مداد بر روی کاغذ زرورق و روی نسخه مورخ ۲۱ رمضان ۵۸۶ قرار داده و گرتۀ (کرده) خط نسخه را روی آن نشان تصویر نموده‌اند. این نسخه، با کاغذ فرنگی، بدون جلد در ۱۰۱ برگ ۱۴×۱۹، در ۱۵ سطر ۱۰×۱۴/۵، به شماره «۲۳۱-ج»، اکنون در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، موجود است.<sup>۱</sup>

چهار. نسخه‌ای از این کتاب، به زبان عربی، در کتابخانه میشیگان آمریکا موجود است که مرحوم استاد محمدتقی دانش‌پژوه آن نسخه را دیده و مشخصات آن را به این صورت ثبت نموده است: نسخ عربی، روز شنبه نزدیک به پایان جمادی الاول ۱۲۹۸، در ۴۵ برگ ۹/۱۴×۳×۲۲ که در فهرست آن کتابخانه، به نام «لسان شناخت»، معرفی و ثبت شده است. در دیباچه نیامده که ترجمه است، بلکه گفته شده: «و صنفت هذا الكتاب الصغير الحجم الكثير العلم»، در سه کلام:

۱. في بيان احوال العالم العلوی و هو تسعة فصول.

۲. في بيان احوال العالم السفلی و هو ثلاثة فصول.

۳. في دور الازمان و هو اربعة فصول.

آغاز: «الحمد لله الذي خلق لامن شیئی و ابدع و احکم... و سمیته کیهان شناخت»<sup>۲</sup>.  
به احتمال زیاد، این نسخه ترجمه‌ای از این نسخه و یا نسخه‌ای است، که اکنون در دسترس نیست.

نکته‌ای که در پایان این مقال در خور توجه است، اینکه کتاب گیهان شناخت نیز، مانند برخی از کتاب‌های دیگر این دوره و پس از آن، تقلید گونه‌ای از کتاب مهم و ارزشمند التفهیم ابوریحان بیرونی است و یا دست کم مأخذ آن، کتاب التفهیم بوده است.

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ص ۴۰۱-۴۰۲.

۲. نسخه‌های خطی، دفتر دهم، نشریه دانشگاه تهران، ص ۲۱۵.



مرحوم استاد جلال الدین همایی، در مقدمه کتاب التفهیم، به این نکته اشاره کرده و پس از معرفی کتاب گیهان شناخت، چنین نوشته است: «...و در بسیاری از عقاید، از قبیل حرکت فلک ثوابت هر ۶۶ سال یک درجه و در مدت ۲۳۷۶۰ سال یک دور و همچنین در شماره ثوابت و منازل قمر و قرانات و جغرافیا، پیرو ابوریحان است و بالجمله این کتاب هم در روش تألیف و هم در نظم و ترتیب فصول و ابواب و هم در بیان مطالب، سر تا پا اقتباس و تقلید از کتاب التفهیم است و گاهی عین عبارات التفهیم را با اندکی تصرف آورده است.

نمونه‌ای از عبارات گیهان شناخت با کتاب التفهیم، را در اینجا نقل می‌نمایم: در باب حرکت فلک ثوابت، می‌نویسد: «بدانکه ستارگان ثابتة نزدیک علماء متأخر در هر شصت و شش سال، یک درجه از منطقه البروج ببرند و بطلمیوس، در کتاب مجسطی چنین گفته است که به هر صد سال، یک درجه روند و سیر ایشان بر توالی است، اعنی به ترتیب بروج نخست حمل برند، آنکاه به حمل باز آیند و این در مدت ۲۳۷۶۰ سال شمسی بود، برحسب قول علماء متأخر».

و در اوجات ستارگان می‌گوید: «بدانکه هر کوکبی اندر فلک خویش کاه به زمین نزدیکتر آید و کاه بلندتر شود و از زمین دورتر بود و غایت بلندی کوکب را اوج کویند و بعدا بعد نیز کویند و به لغت یونانی افرنجیون<sup>۱</sup> کویند و غایت نزدیکی را به زمین حضيض کویند و قرب اقرب کویند و به لغت یونانی افرنجیون<sup>۲</sup> کویند». در صورت سنبله می‌گوید: «ششم سنبله که او را نیز عذرا کویند و وی بر صورت زنی است با کیسو فرو گذاشته، سر وی سوی مغرب و پای وی سوی مشرق، دست راست وی سوی شمال و دست چپ سوی جنوب و اندر وی بیست و شش ستاره است و بیرون از وی شش ستاره است».

و درباره کواکب ثابتة یا ستارگان بیابانی می‌گوید: «و این جمله ستارگان را بیابانی کویند و بدان که بر آسمان ستاره از بهر آن سخت بسیار می‌نماید که براکنده است

۱. نک: التفهیم، ص ۱۱۶، ظاهراً «افنجیون» و «افریجیون» است.

۲. همان.

و نظم ندارد و شمردن آنج براکنده و بی نظم بود، دشوار بود؛ اما چون هم برین نسق که حکیمان پیشین شمرده‌اند، اگر کسی باره - باره جدا می‌کند و می‌شمرد و مدتی دراز در این کار کند، بدانند که ایشان راست می‌گویند».

و در باب نسیئی می‌گوید: «و عرب حاجتمند بوذند بآنک حج ایشان در وقتی باشد که سخت گرم نبوذ و هوا خوش بوذ و حرکت آسانتر بوذ».<sup>۱</sup>

کوتاه سخن اینکه دکتر معین نوشته است: «کتاب گیهان‌شناخت، در علم هیئت و آن به طبع رسیده است»<sup>۲</sup> که این اشتباه می‌باشد؛ زیرا تاکنون این کتاب به زیور طبع آراسته نشده است. به یاری خداوند در نظر است، به زودی، این نسخه کهن را اینجانب، به صورت تصویری و با همین گزارش، از سوی این کتابخانه بزرگ چاپ و منتشر سازم.

یادآور می‌شود، خانم دکتر «سونیا برنتیس»، فرزند یکی از کارشناسان هنر ایرانی مقیم در شهر برلین آلمان که در مؤسسه تاریخ علم «ماکس پلانک» با همکاری آقای دکتر «دیوید کینگ»<sup>۳</sup>، کارشناس مشهور علم نجوم اسلامی در آن مؤسسه، مقاله‌ای در مورد کتاب گیهان‌شناخت، در کتاب: تصاویر علمی از نسخه‌های مصور جهان ایرانی، نوشته‌اند، به زودی، در انگلستان به چاپ خواهد رسید. برای بررسی این نسخه، خانم دکتر «ژیوا وسل» فرانسوی عضو مرکز تحقیقات علمی فرانسه (CNRS) و متخصص تاریخ علم، در بخش نسخه‌های خطی فارسی، در پاریس و مؤلف دایرةالمعارف‌های فارسی، به زبان فرانسه،<sup>۴</sup> که به قم آمده بود؛ اینجانب اطلاعات لازم را در باره نسخه یادشده، به او ارائه دادم. به گفته وی، نسخه گیهان‌شناخت کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، یکی از نفیس‌ترین نسخه‌های خطی فارسی است که او تاکنون دیده است.

۱. التفهیم، مقدمه سید جلال الدین تهرانی، ص مب - مد.

۲. فرهنگ فارسی، ۱۷۶۱/۶.

۳. دو جلد بزرگ از فهرس المخطوطات العلمیة المحفوظة بدار الکتب المصریة، به عربی و به اشراف ایشان، از سوی دانشگاه فرانکفورت آلمان و دانشگاه نیویورک، در سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۶ میلادی، در قاهره، چاپ شده که در این کتابخانه بزرگ موجود است.

۴. این کتاب، به زبان فارسی ترجمه و در سال ۱۳۶۸ ش، در تهران، چاپ شده است.

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، به جز آثاری که نام بردیم، صدها دانشمند بزرگ، در خلال سده‌های پنجم تا هفتم هجری، آثاری را به فارسی نگاشته‌اند که تفصیل آن، در این گزارش میسر نیست و نیاز به فرصت بیشتر و کتابی مستقل دارد.

### مآخذ:

۱. آثار علوی، شمس‌الدین محمد بن مسعود غزنوی بخاری، به تصحیح مرحوم محمد تقی دانش‌پژوه، تهران.
۲. ابوحامد غزالی، شرح احوال و افکار و آثار، به کوشش سید محمود مرعشی نجفی، قم، ۱۳۴۱ ش.
۳. الاعلام، خیرالدین زرکلی، بیروت، ۱۹۸۹ م.
۴. بررسی املائی دستویسی از تفسیر سوراآبادی، کبری شیروانی، تهران، فرهنگستان زبان ایران.
۵. برهان قاطع، محمد حسین بن خلف تبریزی، تهران، ۱۳۶۱ ش.
۶. بُغیة‌الوعاة، جلال‌الدین سیوطی، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۴ ق/ ۱۹۶۴ م.
۷. بیست مقالة قزوینی، محمد بن عبدالوهاب قزوینی، با مقدمه عباس اقبال آشتیانی، تهران، ۱۳۳۲ ش.
۸. پارسی نغز، علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۲۹ ش.
۹. تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح‌الله صفا، تهران، ۱۳۵۵ ش.
۱۰. تاریخ الاسلام «حوادث و وفیات ۵۴۱-۵۵۰ ق»، شمس‌الدین ذهبی، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، ۱۴۱۵ ق/ ۱۹۹۵ م.
۱۱. تاریخ بیهق، ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زید بیهقی «ابن فندق»، به کوشش دکتر قاری سید کلیم‌الله حسینی، حیدرآباد هند، ۱۹۶۸ م و به تصحیح و تعلیقات احمد بهمینار، تهران، ۱۳۱۷ ش.
۱۲. تاریخ بیهقی، خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی دبیر، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۰۷ ق و به اهتمام دکتر غنی و دکتر فیاض، تهران، ۱۳۳۶ ش و به کوشش دکتر

- خلیل خطیب رهبر، تهران، ۱۳۷۰ ش و به تصحیح «مورلی» و کوشش کاپیتان «ولیم ناسولیس»، کلکتہ ہند، ۱۸۶۲ م.
۱۳. تاریخ جهانگشای، علاءالدین عطا ملک جُوینی، به کوشش محمدبن عبدالوہاب قزوینی، لیدن ہند، ۱۳۳۴ ق / ۱۹۱۶ م.
۱۴. تاریخ حکماء الاسلام، ظہیرالدین ابوالحسن علی بن زید بیہقی، به کوشش محمد کرد علی، دمشق ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۸ م یا تممة صوان الحکمة، ظہیرالدین بیہقی، به کوشش محمد شفیع لاہوری، لاہور، ۱۳۵۱ ق / ۱۹۳۵ م.
۱۵. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، سعید نفیسی، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۱۶. تاریخ نهضتہای فکری ایرانیان «از رودکی تا شہادت سہروردی»، عبدالرفیع حقیقت «رفیع»، تهران، ۱۳۵۷ ش.
۱۷. تحفة الغرائب في النبرنج والعجائب، محمدبن ایوب حاسب طبری، به تصحیح جلال متینی، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۱۸. ترجمہ عربی تاریخ بیہقی، یحیی خشاب و صادق نشأت، قاہرہ، ۱۳۷۶ ق / ۱۹۵۶ م.
۱۹. ترجمہ عربی حدائق السحر رشید و طواط، ابراہیم امین شورابی، قاہرہ، ۱۳۶۴ ق / ۱۹۴۵ م.
۲۰. ترجمہ عربی مرزبان نامہ، شہاب الدین احمدبن محمدبن عربشاہ حنفی دمشقی، قاہرہ، ۱۲۷۸ ق.
۲۱. تفسیر سورآبادی، ابوبکر عتیق سورآبادی، بامقدمہ دکتر پرویز ناتل خانلری، چ تصویریری تهران، ۱۳۵۳ ش.
۲۲. التفہیم لاوائل صناعة التنجیم، ابوریحان بیرونی، به کوشش جلال الدین ہمائی، تهران، ۱۳۱۶-۱۳۱۸ ش.
۲۳. تکملة الاصناف، علی بن محمد سعید ادیب کرمنی، چ تصویریری اسلام آباد پاکستان، ۱۳۶۳ ش.
۲۴. جوامع احکام النجوم، ظہیرالدین ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زید بیہقی «ابن فندق»، نسخہ خطی این کتابخانہ بزرگ.
۲۵. چہار مقالہ، نظامی عروضی سمرقندی، به تصحیح محمدبن عبدالوہاب قزوینی، برلین، ۱۳۴۵ ق / ۱۹۲۷ م.

۲۶. حدائق السحر، رشیدالدین وطواط، تهران، مجلس، با مقدمه عباس اقبال و چاپ سنگی تهران، ۱۳۰۲ق.
۲۷. دانشنامه ادب فارسی، جلد یکم، تهران، ۱۳۷۵ش.
۲۸. دانشنامه جهان اسلام، جلد چهارم ب، تهران، ۱۳۷۸ش.
۲۹. ذخیره خوارزمشاهی، سید اسماعیل جرجانی، به کوشش ایرج افشار، تهران ۱۳۴۵ش و به کوشش سعیدی سیرجانی، تهران، چاپ تصویری، ۱۳۵۵ش و به تصحیح دکتر محمدحسین اعتمادی و دکتر محمد شهراد و دکتر جلال مصطفوی، تهران، ۱۳۴۴ش.
۳۰. الذریعة الی تصانیف الشیعة، آقا بزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، تهران، ۱۳۷۸ق / ۱۹۶۷م.
۳۱. راهنمای کتاب، ایرج افشار، مجلدات مختلف، تهران.
۳۲. الرسالة النظامية في العلوم الحسابية، به فارسی، مؤلف مجهول، نسخه کهن خطی این کتابخانه بزرگ.
۳۳. روض الجنان و روح الجنان یا تفسیر ابوالفتح رازی، قم، ۱۴۰۹ق.
۳۴. روضة المنجبین، شهردان جلی رازی، چ تصویری، تهران، ۱۳۶۸ش.
۳۵. سبک شناسی، ملک الشعراى بهار، تهران، ۱۳۴۹ش.
۳۶. سیاستنامه یا سیر الملوک، خواجه نظام الملک طوسی، به اهتمام سید عبدالرحیم خلخالی، تهران، ۱۳۱۰ش و با مقدمه عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۰ش و به کوشش دکتر جعفر شعار، تهران، ۱۳۴۶ش و با مقدمه و تعلیقات عطاءالله تدین، تهران، ۱۳۷۳ش.
۳۷. الشجرة المباركة، فخرالدین رازی، به کوشش سید مهدی رجائی، انتشارات همین کتابخانه، قم، ۱۴۰۹ق.
۳۸. طبقات أعلام الشیعة «قرن السادس»، آقا بزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، قم، بی تاریخ.
۳۹. عروبة العلماء المنسوبون إلى البلدان الاعجمية، ناجی معروف، ۵ جلد، بغداد.

۴۰. فرائد السلوك في فضائل الملوك، اسحاق بن ابراهيم بن ابى الرشيد بن غانم طائى سجاسى، به تصحيح دكتور نورانى وصال و دكتور غلامرضا افراسيابى، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۴۱. الفخري في انساب الطالبيين، اسماعيل بن حسين مروزي ازورقانى، به كوشش سيد مهدى رجائى، انتشارات همين كتابخانه، قم، ۱۴۰۹ ق.
۴۲. فرهنگ ادبيات فارسى، دكتور زهرا خانلرى، تهران، ۱۳۶۶ ش.
۴۳. فرهنگ فارسى، دكتور محمد معين، تهران، ۱۳۵۲ ش.
۴۴. فهرست كتابخانه مجلس شوراى ملى، يوسف اعتصامى، تهران، ۱۳۱۱ ش.
۴۵. فهرست كتب خطى اهدائى مشكوة به دانشگاه تهران، ج ۳، بخش دوم، تهران، ۱۳۳۲ ش.
۴۶. فهرست مشاهير ايران از آغاز دورانهاى افسانه‌اى تا زمان حاضر، دكتور ابوالفتح حكيميان، جلد دوم، تهران ۱۳۵۷ ش.
۴۷. فهرست ميكروفيلم‌هاى كتابخانه مركزى دانشگاه تهران، محمد تقى دانش‌پژوه، تهران، ۱۳۴۸ ش.
۴۸. فهرست نسخه‌هاى خطى فارسى، احمد منزوى، تهران، ۱۳۴۸ ش.
۴۹. فهرست نسخه‌هاى خطى كتابخانه بزرگ حضرت آية الله العظمى مرعى نجفى (ره)، از انتشارات اين كتابخانه، ج ۱ - ۲۷، قم، ۱۳۵۳ - ۱۳۷۳ ش؛ ج ۲۸ - ۳۰ دستنويس گروه فهرست نگاران كتابخانه، به سرپرستى سيد محمود مرعى نجفى.
۵۰. فهرست نسخه‌هاى خطى كتابخانه دانشكده ادبيات، دانشگاه تهران، محمد تقى دانش‌پژوه، تهران، ۱۳۳۹ ش.
۵۱. في التراث العربى، مصطفى جواد، بغداد، ۱۹۷۵ م.
۵۲. قابوسنامه، امير عنصر المعالى، تهران، ۱۳۲۵ ق / ۱۳۴۶ ش و بمبئى هند، ۱۹۰۷ م.
۵۳. كشف الارتياح في ترجمة صاحب لباب الانساب والاعقاب والالقب، مرحوم آيت الله العظمى مرعى نجفى رحمته، قم، از انتشارات كتابخانه معظم له، ۱۴۱۰ ق.
۵۴. كشف المحجوب، هجوبرى، تصحيح والنتين زوكوفسكى، تهران، ۱۳۳۶ ش / ۱۳۹۹ ق و لنينگراد سابق، ۱۹۲۶ م و لاهور پاكستان، به تصحيح احمد على شاه.
۵۵. كليله و دمنه فارسى، با مقدمه و تصحيح مجتبى مينوى، تهران، ۱۳۴۳ ش.

۵۶. کیمیای سعادت، ابو حامد غزالی، تصحیح احمد آرام، تهران، ۱۳۶۱ش و لکهنو هند، ۱۲۷۹ق و بمبئی، ۱۸۸۳م.
۵۷. گاهنامه ۱۳۱۱ش، سید جلال الدین تهرانی، ۱۳۵۰ - ۱۳۵۱ ق / ۱۹۳۲ - ۱۹۳۳م.
۵۸. گنجینه سخن، ذبیح الله صفا، تهران، ۱۳۷۰ش.
۵۹. گیهان شناخت، عین الزمان ابوعلی حسن قطان مروزی، نسخه خطی کهن کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، شماره ۸۴۹۴.
۶۰. لباب الانساب والاعقاب والالقباب، ابوالحسن علی بن زید بیهقی «ابن فندق»، با مقدمه مفصل مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، به کوشش سید مهدی رجائی، قم، از انتشارات همین کتابخانه، ۱۴۱۰ق، دو جلد.
۶۱. لغت نامه، مرحوم علی اکبر دهخدا، ذیل «حسن قطان».
۶۲. مجله شرق، تهران، دوره اول (۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ش)، «امام حسن قطان مروزی»، اقبال آشتیانی، میرزا محمد خان قزوینی.
۶۳. مجموعه رسائل رشیدالدین وطواط، به کوشش محمد افندی فهمی، قاهره، ۱۳۱۵ق.
۶۴. مرزبان نامه، مرزبان بن رستم بن شروین، با اصلاح سعدالدین الوراوینی، به تصحیح مرحوم علامه قزوینی، تهران، ۱۳۱۷ش و ۱۳۵۸ش / ۱۳۳۷ق، به تصحیح علامه قزوینی و سید نصرالله تقوی ولیدن هلند، ۱۳۲۷ق / ۱۹۰۹م، به تصحیح قزوینی و تهران، ۱۳۴۵ش، قطع جیبی و ۱۳۵۲ش، به ضمیمه رساله ترجمان عن کتاب المرزبان، از مرحوم حاج شیخ محمد علی معزی دزفولی.
۶۵. مرصاد العباد، نجم الدین رازی، به اهتمام دکتر محمد امین ریاحی، تهران، ۱۳۵۲ش.
۶۶. المصادر، زوزنی، با مقدمه علی اکبر فیاض، مشهد، ۱۳۴۰ش و ۱۳۴۵ش و به اهتمام تقی بینش، تهران، ۱۳۷۴ش.
۶۷. معارج نهج البلاغه، ابن فندق بیهقی، با مقدمه و تصحیح محمد تقی دانش پژوه، قم، ۱۴۰۹ق، از انتشارات این کتابخانه بزرگ.
۶۸. معجم الادباء، یاقوت حموی، به کوشش مارگلیوث، بیروت، ۱۴۰۰ق / ۱۹۸۰م.
۶۹. المعجم فی معایر اشعار العجم، شمس الدین محمد بن قیس رازی، به کوشش ادوارد براون و علامه قزوینی، بیروت، ۱۳۲۷ق / ۱۹۰۹م و به تصحیح علامه قزوینی و مقابله مدرّس رضوی، تهران، ۱۳۳۵ق.

۷۰. نسخه‌های خطی، زیر نظر محمد تقی دانش‌پژوه، تهران، ۱۳۵۸ ش.
۷۱. زهت‌نامه علائی، شه‌مردان بن ابی‌الخیر، تصحیح دکتر فرهنگ جهانپور، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۷۲. نصیحة‌الملوک، غزالی، به تصحیح مرحوم جلال‌الدین همائی، تهران، ۱۳۵۱ ش.
۷۳. النقض، نصیرالدین ابی‌الرشید عبدالجلیل بن ابوالفضل قزوینی رازی، به تصحیح محدث ارموی، تهران، ۱۳۷۱ ق / ۱۳۵۸ ش.
۷۴. الوافی بالوفیات، خلیل بن ایبک صفدی، به کوشش رمضان تواب، بیروت، ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م.
۷۵. یادداشت‌های قزوینی، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۶۳ ش.
- به جز عناوینی که نام برده شد، از تعدادی فهرستهای نسخه‌های خطی کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور بهره برده‌ام که به علت حجم گسترده آنها، نام بردن آنها در این گزارش، میسر نیست.